

کارنامه های هنری داکتر عنایت الله شهرانی

تهیه و ترتیب:
ذبیح الله نذیر شهرانی

کابل، ۱۳۹۲ ه.ش

www.enayatshahrani.com

شناسنامه کتاب

* نام کتاب: کارنامه های هنری داکتر عنایت الله شهرانی

* تهیه و ترتیب: ذبیح الله نذیر شهرانی

* سال چاپ: ۱۳۹۲ ه. ش

* تیراژ: ۵۰۰ نسخه

* داکتر عنایت الله شېرانی ارتقا دهنده شعبات نقاشی و هیکل تراشی

فاکولته ادبیات و علوم بشری به فاکولته مستقل هنرهای زیبا.

* بنیان گذار و مؤسس شعبات موسیقی و تیاتر به سوئه اکادمیک و

دانشگاهی.

* نویسنده شانزده کتاب در رشته هنر و بیش از صد رساله و مقاله هنری.

* مدافع و حامی هنرمندان افغانستان.

* مؤلف بیش از پنجاه کتاب و صد ها مقاله در موضوعات مختلف.

* مؤسس و اولین رئیس عمومی اتحادیه سراسری هنرمندان در ایالات

متحده امریکا.

* اولین شخص که تذکره نقاشان معاصر را بنام هنر در افغانستان تألیف کرد.



عنايت الله شهرانی

فهرست

قسمت اول

صفحه

❖ داکتر عنایت الله شهرانی ----- ۱

الف: کتاب ها و تألیفات درباره هنر ----- ۱۷

ب: مقالات و کارهای دیگر در رابطه با هنر ----- ۱۹

بعد تاریخی:

❖ کارهای داکتر عنایت الله شهرانی در رشته تاریخ ----- ۲۲

رسالات ----- ۲۳

بعد ادبی:

❖ کارهای داکتر عنایت الله شهرانی در رشته زبان و ادبیات و فولکلور -

----- ۲۴

رسالات ----- ۲۵

❖ بعد ادبیات عامیانه و فولکلور شناسی ----- ۲۶

بعد تعلیمی:

❖ پیرامون کارهای بنیادی داکتر عنایت الله شهرانی ----- ۲۹

قسمت دوم

❖ نمونه های از آثار نقاشی ----- ۳۱

قسمت سوم

❖ تقاریر هنرمندان و دانشمندان بزرگ در دو کتاب تذکره نقاشان افغانستان و اصول تدریس هنر

- تقریر به کتاب "اصول تدریس آرت تربیوی" (توسط استاد برشنا) -- ۶۱
- تقریر به کتاب "اصول تدریس آرت تربیوی" (توسط استاد شبلم) - ۶۲
- تقریر به کتاب "هنر در افغانستان" (توسط استاد برشنا) ----- ۶۴
- تقریر به کتاب "هنر در افغانستان" (توسط استاد حبیبی) ----- ۶۵
- یک نظر گذرا بر کتاب هنر در افغانستان (استاد محمد یوسف کهزاد) --
۶۶-----
- هنر و طلایه داران هنر در افغانستان (اکادمیسن غلام
دستگیر پنجشیری) ----- ۶۸

قسمت چهارم

❖ نوشته های پروفیسور استاد رسول رهین درباره کتاب شرح احوال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنگی و سوانح هنری و فرهنگی داکتر عنایت الله شهرانی

- پروفیسور غلام محمد میمنگی ----- ۸۵
- پروفیسور داکتر عنایت الله شهرانی ----- ۸۹
- وظایف در داخل کشور ----- ۹۸
- وظایف به خارج کشور ----- ۹۹
- سیمینارها ----- ۹۹
- تألیفات ----- ۱۰۰
- تألیفات در حال طبع و یا تکمیل ----- ۱۰۳
- مقالات ----- ۱۰۴

قسمت اول

www.enayatshahrani.com

دکتر عنایت الله شهرانی

دکتر عنایت الله شهرانی فرزند شادروان الحاج آخوند ملا عباد الله خان در هشتم قوس سال (۱۳۲۱ ه.ش) در قریه شهران خاش بدخشان تولد شده، تعلیمات ابتدائیه را در مکتب "معروف خاش" متوسطه را در مکتب "ابن سینا" در کابل و لیسه را در "دارالمعلمین کابل" در سال (۱۹۶۱م) به اتمام رسانیده است.

وی در سال (۱۹۶۲ م) شامل فاکولته جدید التأسیس "تعلیم و تربیه" در جمله اولین شاگردان یا دوره اول فاکولته مذکور ثبت نام کرد و نیز از اولین فارغان بشمار میرود. درجه ماستری را در دانشگاه اریزونا ایالات متحده امریکا در سال (۱۹۷۸ م) و درجه دکتورا را نیز در یونیورسیتی اریزونا در سال (۱۹۸۶ م) بپایان رسانیده است.

ارتباط عنایت الله شهرانی با هنر از آوان طفولیت آغاز و تا اکنون سال (۲۰۱۲ م) دوام داشته است. در انکشاف استعداد هنریش پدر و مادر و یک تعداد استادان مکتب ابتدائیه نقش اساسی و ارزنده داشتند، زیرا بدوران خوردسالی نقاشی های بالای دیوارها و دروازه های خانه حویلی شان با ذغال و پنسل میکرد ولی این کار والدینش را متأثر نساخته، بلکه منظمآ آفرین ها برایش نثار میکردند.

مجسمه های گلی او از حیوانات و طیور، استادان مکتب ابتدائیه را بشور آورده و تشویق میکردند. در صنف پنجم کارهای دستی او چون تفنگچه و غیره برایش شادباشها آورد، چنانچه استاد عبدالصیرافی به تفنگچهء ساخت عنایت الله شهرانی باروت انداخته و آنرا آتش داد و تیر به نشان اصابت کرد و زمانی این عمل انجام یافت که جمله شاگردان و استادان بوقت تفریح در صحن مکتب بودند.

بدوران مکتب ابتدائیه دو نفر از استادان حسن خط مرحومین محمد مجتبی خان و نور محمد خان به عنایت الله شهرانی دروس خوش خطی دادند و اخیر الذکر بمانند معلم خانگی در خانه نیز او را درسهای خوشنویسی میداد و از آن سبب وی در خطاطی و حسن خط ید طولانی داشت، استادان حسن خط میفرمودند که: "بنویس، بنویس تا که شوی خوشنویس".

شهرانی در مکتب متوسطهء ابن سینا در کابل در مضامین کاردستی، حسن خط و رسامی از شاگردان ممتاز بود، چنانچه در مضمون حسن خط که استادش ارواح شاد آغا صاحب سید ایشان حسینی بود نمرهء بلند میگرفت. نقاشی را نزد استاد محمد اسحق بدیعی استاد رسم مکتب ابن سینا تلمذ کرد در متوسطه استعداد نقاشی اش بخوبی انکشاف نمود و برسامی های پورتريت انسان، حیوانات و مناظر طبیعی دست میزد و از جانب استادش تحسین ها میگرفت.

تا ختم دوره متوسطه فقط از ذغال، مخصوصاً پنبسل کار میگرفت و علت آن هم نبود آلات و اسباب رنگ های آبی، روغنی و پاستلی بود. استاد بدیعی که خداوند او را غریق رحمت فرماید در ایران جان خود را به حق تسلیم کرد، به شاگردان خویش کارهای پنبسلی را زیادتراً تأکید میکرد و علاوتاً گاهگاهی نقاشی های رنگه اش را در صنف به نمایش میگذاشت تا شاگردان از آن مفکوره بگیرند.

بدوره لیسسه در دارالمعلمین کابل درجه نقاشی عنایت الله به حدی رسیده بود که یکی از استادان زبان انگلیسی امریکائی جریده انگلیسی را تهیه می نمود تا شاگردان مضمون انگلیسی با خواندن آن بهتر بدانند و عنایت الله، کارهای نقاشی و دیزاین آن جریده را انجام میداد.

در همین سال صنف دهم عنایت الله شهرانی جایزه سالون خزان با ساختن یک کاسهء چوبی بدست آورد. در آن وقت معلم نقاشی دارالمعلمین کابل استاد عبدالله شهنواز و معلم کار دستی و ابری سازی گلبدین خان بودند که چندی بعد غلام محی الدین شبنم بجای استاد شهنواز معلم رسم مقرر گردید و غالباً استاد گلبدین خان که معمر بود به تقاعد سوق داده شد که درین وقت شهرانی در مکتب منحیث یک رسام شناخته شده بود.

در دوره لیسسه رسم های بیالوژی، کیمیا و فزیک را در چارت ها به استادان ترسیم مینمود و استادان از آن ها به تدریس کار میگرفتند. یکی

از استادان فزیک بنام محمد اسلم خان کتابی را در فزیک تألیف کرد و بیش از صد رسم آن کتاب را شهرانی با نوک آهنی رسامی نمود و از کارش استادان و اداره تقدیر نمودند.

در صنف دوازدهم عنایت الله شهرانی نقاشی های بزرگ و ارزنده را انجام داد و پورتریت های اشخاص را از روی عکس هایشان انلارچ میکرد، چنانچه چهرهء یک استاد ترجمان در ملل متحد را بنام استاد محسن فراهی بقلم پنسل نقاشی کرد و مورد تقدیر یک تعداد از استادان خارجی که پروفیسوران ملل متحد بودند قرار گرفت، بعداً با مشاهده تابلوهای دیگرش عکاس مرکز ملل متحد در کابل را فرستادند تا عکس تابلوها و خودش را گرفته در آن دفتر آویزان نمایند و دفتر مذکور او را منحيث نقاش شناخت و پروفیسور گوپتای هندی از موضوع خوشی ها نشان میداد.

هم چنان در صنف دوازدهم یک تغییر عمده در افکار هنری عنایت الله شهرانی وارد شد و آن اینکه در آن سال مرحوم استاد محمد شاکر سامی (فرزند محمود سامی پاشا مشاور اعلیحضرت امان الله خان) که هنرمند درجه یک کشور مان بود منحيث استاد نقاشی دارالمعلمین کابل مقرر شد. چون شهرانی شهرت هنرمندی یافته بود، بناً اجازهء رفت و آمد و استفاده از دفتر نقاشی و رسم را داشت، و نقاشی های استاد شاکر را بصورت مستقیم از روی اشخاص مشاهده میکرد و از آن اصول ترسیم

پورتريت را می آموخت، هم چنان در ترتيب و تنظيم نمايشهای سالون خزانی از طرف دارالمعلمين سهم گرفت.

در صنف دوازدهم عنایت الله شهرانی یک کتاب سواد آموزی را تحت راهنمایی استاد محمد يوسف خان محسنی کوهستانی تألیف و نقاشی و خطاطی کتاب مذکور را خودش تهیه نمود و استادان مکتب علاءالدین آنرا نیک پسندیدند.

بعد از فراغت از صنف دوازدهم به سال (۱۹۶۲ م) و سپری امتحان کانکور شمول دانشگاه بخواهش خود بفاکولتهء جدید التاسیس تعلیم و تربیه ثبت نام کرد. در سال اول فاکولته دو کار عمده را در نقاشی انجام داد، یکی اینکه از روی میکروسکوب آمیب ها، حجرات و غیره را در مضمون ساینس رسامی مینمود و داکتر محمد صدیق خان آنها را درج کتاب خود می ساخت. دو دیگر پروفیسور استاد محمد فاضل کتاب "نوابغ ساینس" را ترجمه میکرد و پورتريت های فلاسفه را با نوک آهنی در آن کتاب نقش می بست. شهرانی درین دوره با هنرمندان شهر کابل و آثار آنان اندک- اندک آشنایی حاصل نمود و به انکشاف فکری او تاثیرات مثبت میکرد.

در صنف دوم فاکولته، در پروگرام های نصاب تعلیمی، مضمونی را بنام "هنر" شامل کرده بودند که استاد عبدالغفور برشنا آن کورس را تدریس مینمود و از کورس مذکور عنایت الله شهرانی استفادهء اعظمی

نمود و استاد برشنا برایش توصیه میکرد، تا کارهای نوک آهنی را تقویه دهد، همچنان استاد برشنا نه تنها موضوعات سکیچ کردن دورنما، و اصول رنگ آبی را تدریس نمود، بلکه در باره تاریخ هنر در افغانستان چندین لکچر ارائه داشت و از تاریخ مذکور یعنی سال (۱۹۶۳ م) عنایت الله شهبانی ارتباطش را با استاد برشنا قایم و تا وقت مرگ از راهنمایی های پرقیمت او فیض یاب میگردید.

باری هم استاد برشنا، عنایت الله شهبانی را بخدمت استاد غوث الدین در مکتب صنایع کابل جهت آموختن استفاده از رنگ روغنی فرستاد، ولی استاد غوث الدین به روز دوم وی را به شاگردی خویش نپذیرفت.

در ختم سال سوم فاکولتهء تعلیم و تربیه که شهبانی از صنف سوم به چهارم ارتقا میکرد، در رخصتی زمستانی کورسهای داخل خدمت معلمان، کورس هنر را تدریس کرد و از لکچرهای صنفی اش کتابی را بنام "راهنمای تدریس آرت برای معلمین" تألیف نمود و بزودی در همان وقت ریاست مؤسسه تعلیم و تربیه کتاب را منحیث کتاب درسی بچاپ رسانید. نوشتن این کتاب عنایت الله شهبانی را موقف بلند داد و این کتاب رهنمای تدریس هنر در افغانستان شمرده شد که بعد ها به سال (۱۳۵۰ ه. ش) وزیر معارف وقت با پرداخت بخشش نقدی امر طبع پخته را داد که در مطبعهء معارف در یک هزار نسخه بچاپ رسید و در آن کتاب دو تقریظ

استاد عبدالغفور برشنا و استاد غلام محی الدین شینم موقف شهرانی را در میان هنرمندان و معارف بلند ساخت.

در سال چهارم فاکولته عنایت الله شهرانی از جانب یک مشاور امریکایی فاکولتهء تعلیم و تربیه بنام داکتر ای. ریچارد کینگ به دفتر آژانس باختر وزارت مطبوعات فرستاده شد تا با هنرمند امریکایی باسم "ری. ان. رایت" طراحی و کمرشل آرت را بیاموزد، چنانچه که همین سال (۱۹۶۵ م) از مهمترین سالها برای انکشاف قریحه هنری موصوف بشمار میرفت، زیرا عنایت الله شهرانی در ضمن تمرین در آن دفتر، یکنوع دیزاین های مخصوص مثلثی و بعدها منحنی را بوجود آورد و نمونهء کارش بزودی دوبار با شرح و بسط در "کابل تایمز" به زبان انگلیسی و نشرات فارسی بچاپ رسید و استاد امریکایی که متخصص نقاشی بود این اختراع و شیوهء رسامی شهرانی را مخصوص شهرانی دانست و چنانچه در کابل تایمز این شیوه بنام وی چاپ و تثبیت گردید.

همچنان محمد شفیع راحل که مضمون دنباله دار "مارکوپولو" را مسلسل در روزنامهء انیس بچاپ میرسانید، در هر شماره نمونهء طراحی ابتکار شهرانی را در مقدم مضمون بچاپ میرسانید. روزی از روزها استاد غوث الدین از این شیوه به شکل رنگه تابلویی را نقاشی کرد ولی استاد امریکایی بمقام وزارت مطبوعات عارض شد و گفت که از کار عنایت الله شهرانی تقلید شده است، استاد غوث الدین بزودی موضوع را حل کرد و

فرمود که او خودش استاد سبک ریالیزم می باشد و دیگر به این شیوه علاقه نخواهد داشت.

اما دو سال بعد غلام محی الدین شبنم غزنوی که در دفتر آرت با عنایت الله شهرانی همکار بود، همین روش عنایت الله شهرانی را به موافقه و مشوره خودش بصورت رنگه کار کرد که استادان بزرگ چون استاد یوسف کهزاد، خانم سیمون شکورولی از آن تمجید و تحسین کردند و بعد ها شبنم به همان شیوه کارهای خود را انجام میداد. شیوه مذکور بر رنگ سیاه و سفید که طرح و ابتکار خاص شهرانی بود، در میان خارجیها شهرت زیاد پیدا کرد و صدها تابلویش به این اسلوب بفروش رسید.

ناگفته نماند که سبک کوبیزم که زیاده تر شکل هندسی را دارد، در سابق وجود داشت ولی روش شهرانی شکل و رنگ دیگری داشت که از تمرین دیزاین ها با نوک آهنی و قلم های کلیوگرافی بدست آمد و متخصص خارجی چون موضوع را از نزدیک مشاهده میکرد بعد از مشوره با متخصصین دیگر آن اصول را، اصول و طرح خاص شهرانی پذیرفتند.

در همین سال چهارم فاکولته ریاست فاکولتهء تعلیم و تربیه محصلان را وادار کرد که هرکس از فاکولته فارغ التحصیل می شود باید مونوگراف بنویسد و عنایت الله شهرانی عنوان موضوع تیزس خود را "هنر در افغانستان" ثبت نمود، که با کمک و همکاری استاد برشنا کتاب مذکور را

تألیف و به اتمام رسانید و این کتاب اولین تذکره نقاشان در افغانستان بشمار میرفت و استادان عبدالحی حبیبی و عبدالغفور برشنا در آن کتاب تقاریظ عالی نوشتند و در سال (۱۳۵۰ ه. ش) به امر وزیر معارف داکتر علی احمد پوپل در یک هزار جلد در مطبعهء معارف بطبع رسید. کتاب مذکور مأخذ و سند عمده دربارهء شناسایی و آشنایی با هنرمندان نقاش معاصر افغانستان محسوب میگردد. کتاب "هنر در افغانستان" تا کنون مورد استفاده هنرمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. نوشتن کتاب فوق زمینهء خوبی را برای عنایت الله شهرانی مساعد ساخت تا با هریک از نقاشان از نزدیک صحبت نموده به کارهای سبک و حیات و زندگینامهء شان آشنایی حاصل نماید.

عنایت الله شهرانی از سال (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ م) علاوه از تدریس مضامین روانشناسی و تعلیم و تربیه در دارالمعلمین کابل و کالج عالی مکتب موصوف مضمون هنر را تدریس و در مکاتب شهر کابل با شبنم منحیث سوپروایزر در مضامین هنر با استادان کار کرد.

وی چندین نمایش نقاشی را در وزارت مطبوعات، مرکز فرهنگی امریکا در کابل ستاف هاوس امریکایی ها و کتابخانه دانشگاه کابل بصورت انفرادی و جمعی برپا کرد و از عایدات فروش تابلوهای خود یک سفر نیم دنیایی را با شبنم انجام داد.

دوبار هم کورس های سلک سکرین را در مرکز فرهنگی امریکا در شهرنو با یک تعداد نقاشان جوان کابل زیر نظر متخصصین امریکایی فراگرفت و تابلو های ساختهء دست هنرمندان مذکور به نمایش گذاشته شد و توسط خارجیان تعداد زیادی از آنها خریداری گردید.

عنایت الله شهرانی چندین سال منحیث رسام در کنار وظیفهء اصلی اش بمؤسسهء تعلیم و تربیه ایفای وظیفه نمود و ده ها کتاب را نقاشی و بچاپ رسانید، و مدتی کوتاهی در دائره المعارف افغانستان رسامی کرد و بنابر پیشنهاد رئیس دانشگاه وقت داکتر عبدالاحمد جاوید، پورتريت های رؤسای دانشگاه کابل را نقاشی نمود و در آن وقت استاد جاوید پورتريت ذغالی مهاتما گاندی را که توسط شهرانی بسایز بزرگ رسامی شده بود به وزارت تحصیلات عالی هندوستان برده و هدیه کرد.

در سال (۱۹۶۶ م) بنابر پیشنهاد استاد دیزاین و کمرشل آرت خانم "ری . ان . رایت" عنایت الله شهرانی به نزد خانم آرلین فریدمین، یکنفر محقق و نقاش امریکایی طرز کار واستفاده از رنگ روغنی را بصورت مسلکی آموخت و سالهای زیادی با آن هنرمند محشور بود و خانم فریدمین در باره "چارچتهء کابل" کتابی را تألیف کرده است.

اگرچه بعد از فراغت از فاکولته تا سال (۱۹۷۱ م) بصورت بالمقطع در فاکولتهء تعلیم و تربیه تدریس می نمود ولی در سال (۱۹۷۱ م) به اثر کامیابی در امتحان رقابت رسمی بفاکولتهء مذکور برنده شده و در کدر

تدریسی رسماً منحیث استاد پذیرفته شد. در سال (۱۹۷۵م) بنابر پیشنهاد پروفیسور میر حسین شاه خان رئیس فاکولتهء ادبیات و علوم بشری بحیث استاد شعبهء دو صنفهء نقاشی و هیکل تراشی (هنرهای زیبا) که جدیداً در فاکولتهء ادبیات تاسیس شده بود وظیفه گرفت.

در سال (۱۹۷۶م) طی یک امتحان رقابتی در میان استادان برنده شناخته شد و به اخذ سکالرشپ فولبرایت کامیاب گردید. وی تا اواسط سال (۱۹۷۸م) ماستری خویش را در هنر و مسلک دومی (ماینر) در تعلیم و تربیه در یونیورسیتی اریزونا ایالات متحدهء امریکا به اتمام رسانید و در آنجا در چند نمایش با هم صنفان امریکایی سهیم شد و باری هم به تنهایی نمایش از نقاشیهای دورهء ماستری اش را در شهر توسان اریزونا برپا کرد.

در سال (۱۹۷۸م) به افغانستان رفت و دوباره استاد شعبهء هنرهای زیبا مقرر گردید و همزمان بخاطر تألیفات متعددش در فولکور افغانستان به محصلان خارجی مضمون فولکور را تدریس نمود.

در فاکولتهء ادبیات و علوم بشری که شعبهء کوچکی بنام هنرهای زیبا در نقاشی و هیکل تراشی وجود داشت، کورسهای نقاشی را تدریس کرد. در وقت آمریتش عنایت الله شهرانی خواست که شعبهء هنرهای زیبا را بفاکولتهء ارتقا دهد و پروگرامهای دیپارتمنت های موسیقی، تیاتر، سینماتوگرافی و تعلیم و تربیه را نوشت و هر چهار شعبه را تاسیس نمود و

بودجه سالانه هنرهای زیبا را که در حقیقت فاکولتهء مستقل بشمار میرفت و بنام آمریت هنرهای زیبا گفته می شد، بمقدار چهارصد و پنجاه هزار افغانی از ریاست دانشگاه کابل تخصیص بودجه سالانه را گرفت و در همه رشته ها استادان مسلکی را بر علاوه استادان اصلی شعبه هنرهای زیبا از خارج دانشگاه مقرر نمود و برای بار اول در تاریخ افغانستان خصوصاً موسیقی و تیاتر را به سویهء اکادمیک در قطار مسالک دیگر اجتماعی و سیاسی ارتقاء و قرارداد و این عمل از یادگارهای زرین در تاریخ هنر در افغانستان بشمار میرود.

در همین هنگام یازده نفر از فارغان با استعداد و برجسته هنرهای زیبا را که مدتی شاگردان لایق شهبانی بودند در کدر علی مقرر نمود و یکی از بزرگترین مشکل یافتن استادان تا جایی حل گردید. البته کارهای بسیار زیادی را در قسمت ارتقای شعبه بفاکولته نمود و فعالیت های دیگر هنری را با استادان جدید التقرر انجام داد که در مقاله "خاطرات من از تاسیس فاکولتهء هنرهای زیبا" نوشته شده اند.

شهبانی در سال (۱۹۸۱ م) راه هجرت را در پیش گرفت و در شهر پشاور به درخواست داکتر محمد انور خان و استاد واصل نور به حیث اسوشیتد پروفیسور در یونیورسیتی پشاور مقرر گردید. در آنجا علاوه بر تدریس دربارهء آسیای مرکزی نقاشی های پورتريت های اشخاص برجستهء تاریخ افغانستان و آسیای مرکزی را با رنگ روغنی انجام داد و ضمناً در کنار

این وظیفه در فاکولتهء جغرافیه دانشگاه مذکور منحیث مشاور وظیفه یافت.

عنایت الله شهرانی در اواسط سال (۱۹۸۲ م) به امریکا هجرت نمود و در سال (۱۹۸۳ م) در یونیورسیتی اریزونا منحیث شاگرد دورهء دکتورا پذیرفته شد و در سال (۱۹۸۶ م) به اخذ دیپلوم داکتری در مسلک تعلیم و تربیه با ماینر هنر (مسلک دوم) کامیاب گردید و بعد از فراغت بمدت دو سال در یک تلویزیون تعلیمی منحیث طراح و خطاط ایفای وظیفه نمود و بعد از آن گاهگاهی نقاشی مینمود ولی نه بقدر کفایت.

در سال (۱۹۹۰ م)، از امریکا به پاکستان نقل مکان کرد و منحیث مستشار تعلیمی در رابطهء عالم اسلامی کار کرد و سپس بنابر درخواست دانشگاه بین المللی اسلامی آباد بحیث استاد و رئیس بخش مطالعات آسیای مرکزی یا ممالک جدید الاستقلال از دست وسلطهء روسها مقرر شد و یک سال بعد منحیث فول پروفیسور ارتقاء نمود.

بعد از سال (۱۹۹۵ م) که بسال مذکور دوباره به امریکا آمده بود، روبه نویسندگی آورد و کتاب های زیادی را در ادبیات - تاریخ، فولکلور و هنر نوشت که تعداد مجموعی کتاب های تألیفی اش بیش از پنجاه کتاب و مقالاتش به بیش از سه صد بالغ میگردد و اولین شخص می باشد که دربارهء هنر در افغانستان تالیفات زیاد دارد و تاریخ هنر معاصر افغانستان را زنده ساخته است.

روش و اسلوب نقاشی عنایت الله شهرانی که در کتاب های راهنمای تدریس آرت و نقاشان مهاجر تألیف استاد شبنم غزنوی، در حصهء سوانح اش آورده شده است که در فن کاپی کردن و اسلوب ریالیزم استعداد و مهارت زیاد دارد و طراح و مبتکر سبک و روش خاص در یکی از انواع کارهای نقاشی خود میباشند.

روش عمومی کارهای نقاشی شهرانی بگونهء ریالیزم بوده در رنگ آبی تابلوهای بسیار قشنگ و زیبا می سازد و اکثر کارهای او بفروش رسیده اند. نقاشی های مستقیم از مقابل شخص را انجام داده که یکتعداد کاپی های آن موجود میباشند. نقاشی های پورتريت های خانم "زی.ان.رایت" و داکتر کینگ و غیره از نمونه های کارهای نقاشی های مستقیم و آزاد اوست.

در کتاب "راهنمای تدریس آرت" شبنم، عنایت الله شهرانی را در شمار نخبگان اول هنر چون پروفیسور غلام محمد میمنگی، استاد عبدالغفور برشنا، استاد محمد سعید مشعل، استاد غوث الدین و استاد کریمشاه خان آورده است که بزرگان هنر معاصر افغانستان را تشکیل میدهند. چونکه استاد شبنم غزنوی از صنف دهم مکتب دارالمعلمین تا کنون (۲۰۱۳ م) با شهرانی محشور بوده و شاهد همه کارهای عمدهء شهرانی در هنر به جامعهء افغانستان میباشند و تا جائیکه معلوم است و اندکی

هم در بالا اشاره شد هیچکس چه در گذشته و چه در حال برابری در باره هنر و هنرمندان تألیفات ندارد.

در بین سالهای (۱۹۷۸ م تا ۱۹۸۱ م) شهبانی علاوه از اینکه به محصلان هنرهای زیبا دروس نقاشی را تدریس مینمود، منحیث رئیس بخش نقاشان و خطاطان اتحادیه هنرمندان کار میکرد.

هم چنان در سال (۲۰۰۱ م) اتحادیه را بنام "اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان" در امریکا تأسیس و خودش منحیث اولین رئیس انتخابی مقرر گردید.

با نوشتن سوانح هنرمندان شاید شهبانی یگانه کسی باشد که همه هنرمندان افغانستان را بصورت عمومی بشناسد. او بیش از نود درصد موسیقی نوازان و آواز خوانان افغانستان را در کتاب "ساز و آواز در افغانستان" معرفی کرده و خاصتاً با نقاشان افغانستان مصاحبه ها کرده و با هر یک دید و وادید های را انجام داده و با آنها آشنایی حاصل نموده، درباره سبک روش کار و نیز وضع حیاتی شان معلومات داده است. درباره ممثلین افغانستان هم چنان آشنایی زیاد دارد و در تهیه کتاب "پدر تیاتر استاد عبدالرشید لطیفی" با پروفیسور عبدالواسع لطیفی همکاری ها کرده و مقاله مطولی در آن افزوده و اسمای اکثر هنرمندان بازیگری و تمثیلی را ذکر کرده است.

عنایت الله شهرانی با استادان بزرگ چون: برشنا، غوث الدین، خیر محمد یاری، خیر محمد عطایی، قربانعلی عزیزی، کریمشاه خان، شاکر سامی، محمد سعید مشعل، همایون اعتمادی، فکری سلجوقی، یوسف کهزاد، سید مقدس نگاه، خانم سیمون شکور ولی، حسین ارمان، عبدالوهاب مددی، ظاهر هویدا، سلیم سرمست، فقیر محمد ننگیالی، رحیم بخش، الطاف حسین، وحید قاسمی، نوریه پرستو، رحیم مهریار، سیما ترانه، شبنم غزنوی، عبدالقیوم بیسد، داکتر نعیم فرحان، خان آقا سرور، عزیز الله هدف، احمد شاه علم، عبدالستار جفایی، زلیخا نورانی، حمید جلیا و ده های دیگر محشور بوده و دیدن ها گفت و شنود ها کرده است. داکتر عنایت الله شهرانی در میان حلقه های نقاشان شهرت زیادی داشته، در مرکز ستاف هاوس امریکایی عموماً نقاشان کابل تابلو های خویش را بفروش می‌رسانیدند. تابلو های شهرانی هیچ وقت از آنجا دوباره بخانه آورده نشده اند جمله بفروش رسیده است. یک تابلوی بسیار عالی او را در یکی از نمایشات نقاشی سفیر امریکا در کابل خریداری نمود و از آن به حد اعلی توصیف میکرد که آن تابلو داستانی بخصوصی داشت.

در رقابت ها و جوایز مطبوعاتی شهرانی چندان حصه نگرفته است، فقط یک بار در جوایز نقاشی یک تابلوی خود را بنام "جاده خلق" در جایزه گذاشت و برنده جایزه مطبوعاتی شد، اما چون به کلمه "خلق"

در آن وقت حساسیت ها بود نامش را در نشرات "جادهء مردم" گذاشتند.

در خصوص نقاشی وی دو نفر از استادان از استعدادش توصیف ها میکردند، یکی استاد خیر محمد عطایی که خداوند جایش را خلدبرین سازد و دیگر شبینم غزنوی، آنها میفرمودند که در استعداد با وی کمتر کسی رقابت کرده خواهد توانست و افسوس مینمودند که چرا علاوه بر نقاشی بکارهای دیگری اشتغال دارد، ارواح شاد استاد خیر محمد عطایی هنرمند بلند آوازه افغانستان که عمر گرانبهای خویش را در خدمت معارف سپری کرده بود با علاقهء فراوان میخواست که در نقاشی، استاد شهرانی باشد و شهرانی هم چنان با احترام و اعتمادی که به شخصیت آن بزرگمرد داشت میخواست مدتی را بشاگردی او زانو بزند، ولی مرگ به استاد مهلت و مجال نداد و نیز پیش از وفات آن مرحوم شهرانی مصروف تحصیل هنر در ایالات متحدهء امریکا بود.

و اینک خلاصهء کارهای هنری عنایت الله شهرانی:

الف. کتاب ها و تالیفات دربارهء هنر:

۱. اصول تدریس آرت تربیوی، اولین کتابیست که درین رشته تألیف شده، چاپ در مطبعهء معارف (۱۳۵۰ خورشیدی)؛

۲. هنر در افغانستان، اولین تذکرهء نقاشان افغانستان، چاپ در مطبعهء معارف (۱۳۵۰ خورشیدی)؛
۳. تاریخچهء مختصر هنر در افغانستان، اولین رسالهء کدر علمی که بشکل مضامین در نشرات کابل به نشر رسیده است.
۴. تعلیم و تربیهء هنر در افغانستان، بزبان انگلیسی رسالهء تیزس ماستری؛
۵. ارزیابی امتحانات هنر در مکاتب ثانوی ایالات غربی امریکا، بزبان انگلیسی تیزس داکتری؛
۶. Artists in Afghanistan، در حقیقت ترجمهء کتاب هنر در افغانستان که با خانم نانسى دوپری آنرا بزبان انگلیسی ترجمه کرده، و تغییرات زیادی بر آن آورده شده است.
۷. قانون طرب، تعلیق و تحشیه و معرفی هنرمندان موسیقی، چاپ در سویدن (۲۰۰۱ عیسوی)؛
۸. اصلاً کتاب قانون طرب را استاد سر آهنگ در بیست صفحه ترتیب داده و شهبانی آنرا شرح و بسط داده در حدود بیش از دونیم صد صفحه ساخته است.
۹. پیر خرابات (استاد قاسم افغان) کتابیست دربارهء استاد قاسم و فامیل او، چاپ در پشاور؛

۱۰. سیر هنر در افغانستان، کتابیست که به افتخار تأسیس اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان در امریکا تالیف شده و آماده چاپ می باشد.
۱۱. شرح احوال و آثار پروفیسور غلام محمد مصور میمنگی، چاپ در پشاور؛
۱۲. رساله درباره استاد بهزاد و هنر عهد تیموریان.
۱۳. ساز و آواز در افغانستان، در برگزیده عمومیات موسیقی نوازان افغانستان، چاپ در کابل.
۱۴. خطاطان افغانستان، آماده چاپ.
۱۵. نقاشان افغانستان، آماده چاپ.
۱۶. یادى از نقاشان افغانستان، چاپ در جریده کاروان بصورت مسلسل، کالیفورنیا.
۱۷. ملکه قلب ها، لتا منگیشکر (از رسالات عمده و مهم شهرانی).
۱۸. شگوفانی هنر در عهد تیموریان هرات، چاپ در مجله آریانا برونمرزی، سویدن.
- ب. مقالات و کارهای دیگر در رابطه با هنر:
۱. مقدمه و ایدیت در کتاب "استاد عبدالرشید لطیفی"، تألیف پروفیسور عبدالواسع لطیفی، چاپ در کانادا.

۲. همکار در کتاب "میوزیک ان ده ماین" تألیف دکتر لورین سکاتا، این کتاب درباره موسیقی سه ولایت افغانستان بدخشان، هرات و هزاره جات بحث میکند، چاپ در امریکا.
۳. تحریر بیش از صد مقاله هنری چاپ در نشرات داخلی و خارجی.
۴. همکار و ترجمان به دکتر دانا هام والش، درباره نقاشان افغانستان.
۵. تأسیس شعبات موسیقی، تیاتر، تعلیم و تربیه و سینماتوگرافی به سویهء دانشگاه در دانشگاه کابل (۱۹۸۰ م).
۶. ارتقاء شعبه هنرهای زیبا به سویهء فاکولته (۱۹۸۰ م).
۷. اولین آمر مستقل هنرهای زیبا (۱۹۸۰ م).
۸. رئیس اتحادیهء نقاشان از (۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ م).
۹. موسس اتحادیهء سراسری هنرمندان افغانستان، در امریکا (۲۰۰۱ م).
۱۰. اولین رئیس انتخابی اتحادیهء سراسری هنرمندان افغانستان از (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ م).
۱۱. مشاور و سوپروایزر هنری در مکاتب ابتدائیهء شهر کابل از (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ م).
۱۲. عضو تهیه و ترتیب پروگرامهای هنری در وزارت معارف.

۱۳. رسامی و الاستریشن به کتاب های مؤسسهء تعلیم و تربیه و دائرة المعارف.

۱۴. رسامی پورتريت های رؤسای دانشگاه کابل و فلاسفهء آسیای مرکزی یونیورسیتی پشاور.

۱۵. مقالات دفاعیه دربارهء هنرمندان افغانستان و بیاد بود هنرمندانیکه در خارج دارفانی را وداع گفتند.

داکتر عنایت الله شهبانی یگانه کسی می باشد که دست کم شانزده کتاب دربارهء هنر و فرهنگ افغانستان تالیف نموده و در مطبوعات افغانستان و خارج از کشور به معرفی هنر و هنرمندان و دفاع از حقوق آنها نوشته ها بیادگار مانده است و طوریکه گفته آمد مقالات بیشماری را در آن رشته نوشته است.

البته معلومات صفحات گذشته و لست فوق دربارهء خدمات و تألیفات و کارروائی های هنری داکتر عنایت الله شهبانی که تنها دربارهء سوابق هنری موصوف می باشد و سوانح عمری او با تألیفات و آثار او در ساحات مختلف چون تاریخ ادبیات و تعلیم و تربیه با مقالاتش در جاهای دیگری نشر شده است.

بعد تاریخی:

کارهای داکتر عنایت الله شهرانی در رشته تاریخ

- ❖ تألیف کتاب "شاه محمد ولی خان دروازی وکیل السلطنت شاه امان الله غازی" چاپ در پشاور.
- ❖ "محمود سامی پاشا، مشاور نظامی شاه امان الله غازی" چاپ در کابل و جرمنی.
- ❖ "تاریخچه اقوام در افغانستان" چاپ چهارم در کابل.
- ❖ "شگوفانی هنر در عهد تیموریان هرات" چاپ در سایت ها و آریانا برونمرزی، سویدن ۲۰۱۲ م.
- ❖ ابراهیم بیک ... و جهاد ملت بخارا" چاپ در مجله پیمان، امریکا.
- ❖ شرح احوال استاد علامه عبدالحی حبیبی" چاپ در مجله پیمان، امریکا.
- ❖ تعلیق و تحشیه در کتاب های همایون نامه، تألیف گلبدن بیگم و ظهیر الدین محمد بابرشاه تألیف علامه حبیبی، نا چاپ.
- ❖ تاریخچه فاکولته تعلیم و تربیه، چاپ در کابل.
- ❖ خاطرات من از تأسیس فاکولته هنرهای زیبا، چاپ در کابل.
- ❖ مشاهیر بدخشان، ناچاپ.

- ❖ "بیگم های بلند آوازه" در حال چاپ در کابل.
- ❖ ترکان فارسی گوی، نشر در سایت فیفتا.
- ❖ شجره شهریاران ترک، نشر در جریده جهش.
- ❖ مرزهای همزیستی زبانها، چاپ در امریکا.
- ❖ زمانه شگوفه بهار، چاپ در امریکا.

رسالات:

- ❖ کابل در پرده های تاریخ، کاروان کالیفورنیا، دهه نود عیسوی.
- ❖ سامانیان، چاپ در آریانا برون مرزی، سالنامه موقوفات داکتر افشار، ایران، تهران.
- ❖ دری یا زبان درباریان، چاپ در کتاب نثر فارسی در افغانستان، راه نیستان، انقره و ...
- ❖ غزنی و سنایی، مجله درد دل افغان.
- ❖ امیر سبکتگین، چاپ شده.
- ❖ سلطان محمود غزنوی از دیدگاه دانشمندان و سخنوران.
- ❖ زندگی نامه علامه صلاح الدین سلجوقی، سالنامه موقوفات افشار، تهران، ایران.
- ❖ سردار بیدل شناس، عبدالعزیز حیرت، درد دل افغان.

بعد ادبی:

کارهای داکتر عنایت الله شهرانی در رشته زبان و ادبیات

طوریکه میدانیم داکتر عنایت الله شهرانی زیادتین تألیفات را در رشته هنر انجام داده است که به همان پیمانہ درباره ادبیات فولکلوری بیشترین تألیفات را دارد.

- ❖ فرهنگ تاجیکی، چاپ در پشاور، دنباله کتاب "لغات مستعمل در لحجه دری بدخشان" تألیف شهرانی.
- ❖ فلک های کهسار، در چهار فصل چاپ در مجله آریانا.
- ❖ دوبیتی های تاجیکی، چاپ مرکز فرهنگی ایران و پاکستان، دنباله فلک های کهسار.
- ❖ امثال و حکم فارسی، چاپ در کابل ۱۳۵۴ ه.ش و دنباله آن؛
- ❖ ضرب المثل های دری افغانستان، چاپ هفتم شامل نه ونیم هزار ضرب المثل فارسی دری.
- ❖ د پشتو امثال او حکم، چاپ در کابل ۱۳۵۴ ه.ش، و دنباله آن؛
- ❖ د پشتو متلونه، چاپ در کابل، شامل چهار هزار ضرب المثل پشتو.

- ❖ گور اوغلی، شامل پنجاه و دو داستان حماسی از صفحات شمال، چاپ در سلسله فولکلور و ... آماده چاپ مکمل.
- ❖ افسانه های مردم، نا چاپ.
- ❖ یمگان، تعلیق و تحشیه، چاپ در یونیورسیتی دهلی.
- ❖ دیوان هلالی چغتائی، تعلیق و تحشیه آماده چاپ.
- ❖ زیب النساء مخفی، چاپ در کابل.
- ❖ مخفی بدخشی، چاپ در دهلی.
- ❖ عائشه درانی، چاپ در کابل.
- ❖ تعلیقات در کتاب "افکار شاعر" علامه سلجوقی" ناچاپ.
- ❖ زندگینامه سید زمان الدین عدیم شغنانی، چاپ در کانادا.
- ❖ برگردان کتاب های دوبیتی های تاجیکی و ضرب المثل های دری افغانستان برسم الخط سیرامیک در حال چاپ.

رسالات:

- ❖ سلسال و شاه مامه، چاپ در سویدن.
- ❖ نفوذ زبان فارسی در نیم قاره هند، چاپ در هند و ...
- ❖ پاره های دوبیتی های تاجیکی، چاپ در ایران نامه و ایران و ده ها مقاله ادبی و فولکلور که بچاپ رسیده اند.

بعد ادبیات عامیانه و فولکلور شناسی

دکتر عنایت الله شهرانی در تحقیق و جمع آوری ادبیات عامیانه در افغانستان در جمله پیشقدم ترین شخصیت ها بشمار می آید. علاوه از اینکه با محققین فولکلور شناس خارجها همکاری نموده، در فاکولته ادبیات منحیث استاد مضمون فولکلور برای محصلان خارجی ایفای وظیفه نموده است. کتاب هایی را که در ساحة فولکلور افغانستان تألیف نموده قرار ذیل است:

۱. "فلک های کهسار" کتاب دوبیتی های فارسی تاجیکی که در چهار فصل در مجله "آریانا" در سال های ۱۳۵۱ هـ و بعد از آن بچاپ رسیده است. این کتاب اولین و بزرگترین مجموعه ای بود که در افغانستان بچاپ رسید. اکنون کتاب مذکور بصورت مکمل با افزایش دوبیتی های دیگر زیر عنوان "دوبیتی های تاجیکی" بدسترس مردم قرار دارد، در ایران بچاپ رسیده و در تاجیکستان به سیرالیگ برگردانیده شده است.

۲. "فرهنگ تاجیکی" این کتاب تحت عنوان "لغات مستعمل در لهجه دری بدخشان" چندین سال در مجله وزین ادب نشریه فاکولته ادبیات پوهنتون کابل بچاپ میرسید و اکنون منحیث کتاب "فرهنگ تاجیکی" چاپ و مورد استفاده می باشد. کتاب مذکور اولین فرهنگ زبان فارسی تاجیکی در افغانستان می باشد.
۳. "ضرب المثل های دری افغانستان" این کتاب در سال ۱۳۵۴هـ بنام "امثال و حکم دری" بچاپ رسید، اکنون با داشتن تقریباً نه و نیم هزار ضرب المثل زبان دری بزرگترین مجموعه ضرب المثلها در ممالک افغانستان، تاجیکستان و ایران بشمار می آید که باری هم در ایران بچاپ رسیده و در تاجیکستان به حروف سیرالیگ برگردانیده شده است.
۴. "د پشتو متلونه" این کتاب در سال ۱۳۵۴هـ بنام "امثال او حکم" در کابل بچاپ رسید و فعلاً بنام "د پشتو متلونه" با اضافه امثال بطبع رسیده و در وقت خود بزرگترین مجموعه امثال پشتو بچاپ میرفت.
۵. ضرب المثل های تورکی اوزبیکی، شامل هفتصد مثل تورکی که در کتاب "آقای دکتر عارف عثمان" علاوه گردیده است.
۶. "گور اوغلی" یا کتاب داستان های حماسی تورکستان و صفحات شمال اولین بار توسط دکتر شهرانی ثبت و تحریر گردید، و در

کابل در مجله فولکلور بمدیریت ارواح شاد استاد محمد صدیق
رومی مضمون وار بچاپ می‌رسید و حالا بحیث کتاب مستقل در
آورده شده. در تاریخ افغانستان این کتاب اولین و پیشقدم
بشمار می آید و کسی تا کنون درین باره ننوشته است. (به
ادبیات خالص تاجیکی محلی بدخشان)

۷. "افسانه ها" کتاب افسانه ها هنوز بچاپ نرسیده، اما بصورت
پراکنده در خارج زیور چاپ یافته و اکنون بصورت کتاب مستقل
آماده چاپ می باشد.

در افغانستان داکتر عنایت الله شهرانی در ساحة فولکلور بیشترین
مضامین و کتاب ها را تحریر و بطبع رسانیده است و از اولین شخصیت
های فولکلور شناس و فولکلور نویس بشمار می آید.

بعد تعلیمی:

پیرامون کارهای بنیادی داکتر عنایت الله شهرانی

- ❖ تخصص اولی داکتر عنایت الله شهرانی تعلیم و تربیه و تخصص دومی تحصیلی در رشته هنر بسویۀ داکتری.
- ❖ نویسنده اولین تذکره هنرمندان در کتاب "هنر در افغانستان" با تقاریظ علامه حبیبی و استاد برشنا، تألیف در ۲۱ سالگی.
- ❖ کتاب "اصول تدریس آرت تربیوی" اولین کتاب رهنمای تعلیمی آرت، با تقاریظ استاد برشنا، تألیف در سن ۲۰ سالگی.
- ❖ تألیف دو کتاب امثال و حکم دری و پشتو اولین کتاب های ضخیم در همان رشته در وطن.
- ❖ شعبات نقاشی و هیکل تراشی که مربوط فاکولته ادبیات بود، آن دو شعبه را جدا ساخته با تاسیس شعبات دیگر منحصث فاکولته مستقل هنر های زیبا در قطار فاکولته های دیگر پوهنتون قرار داد.
- ❖ شعبه موسیقی را بار اول در فاکولته هنر های زیبا تاسیس و صبغه دانشگاهی داد.

- ❖ شعبه تیاتر را بار اول بسویه اکادمیک در فاکولته هنرهای زیبا تاسیس نمود.
- ❖ بزرگترین اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان را در سال ۲۰۰۱م در خارج اساس گذاشت و در ۲۹ مملکت جهان نمایندگی های هنری و فرهنگی افغانستان را تاسیس نمود.
- ❖ در ساحة فولکلور در افغانستان بیشترین و زیادترین مقالات و کتب را نوشت.
- ❖ در ساحة هنر، شانزده کتاب و بیش از صد مقاله نوشت.
- ❖ داستان های حماسی گور اوغلی را نیز بار اول برشته تحریر در آورد.
- ❖ دست کم سیصد مقاله در عمومیات و خصوصیات فرهنگ افغانستان تحریر کرد.
- ❖ هنرمندانی که در خارج و یا در داخل وفات می یافتند، بعد از مرگ شان مقالات زیاد در خصوص حیات هنری شان انتشار میداد.
- ❖ صد ها فعالیت های دیگر هنر، چون سیمینارها، نمایش ها و دفاعیه ها و حمایه ها از هنرمندان.
- ❖ تألیفات و مقالات زیاد درباره تعلیم و تربیه و تعلیم و تربیه هنری.



قسمت دوم

نمونه های از آثار نقاشی

www.enayatshahrani.com



Student From Badakhshan Compiles Art, Education Book

Twenty-two year old Enayatullah Shahrani from Kash, Badakhshan feels that is important for an artist to capitalise on his background, culture, and experience to give him his own individuality.

Although Enayat liked to draw when he was young and started drawing seriously in the 12th class, he did not decide to become an art educator until his senior year in the Faculty of Education. The winter between his junior and senior year was spent at DMA when he collaborated with the art teacher Mr. Shabnam on a book about art and secondary education.

He likes experimenting with all styles, media, and techniques, and feels students must be given a variety of art experiences so that they can find out what they like doing best.

He feels art can become a very important part of life in Afghanistan for self expression, in the fields of commercial art, and in the practical aspects of home and family life, and the professional field of fine arts. He would like to work towards developing a new curriculum for art education in Afghanistan so as to develop a definite school of Afghan art.

Enayatullah Shahrani, now a senior in the College of Education at Kabul University, is experimenting with drawing scenes of Afghan life in a new style. The picture depicting nomad life in the artist's original style was developed from an exercise using triangles.

ابتکار شیوه جدید توسط شهرانی، سال ۱۹۶۵ م، چاپ در کابل تایمز،

کابل ۱۹۶۵ م

در ختم مضمون بالا سبک مخصوص ابتکار شهرانی شناخته شده است.



عنایت الله شهبانی بوقت تألیف کتاب های
"هنر در افغانستان" و "راهنمای تدریس آرت"



عنایت الله شهبانی در پاکستان (۱۹۹۲ م)
در یونیورسیتی بین المللی اسلامی در اسلام آباد

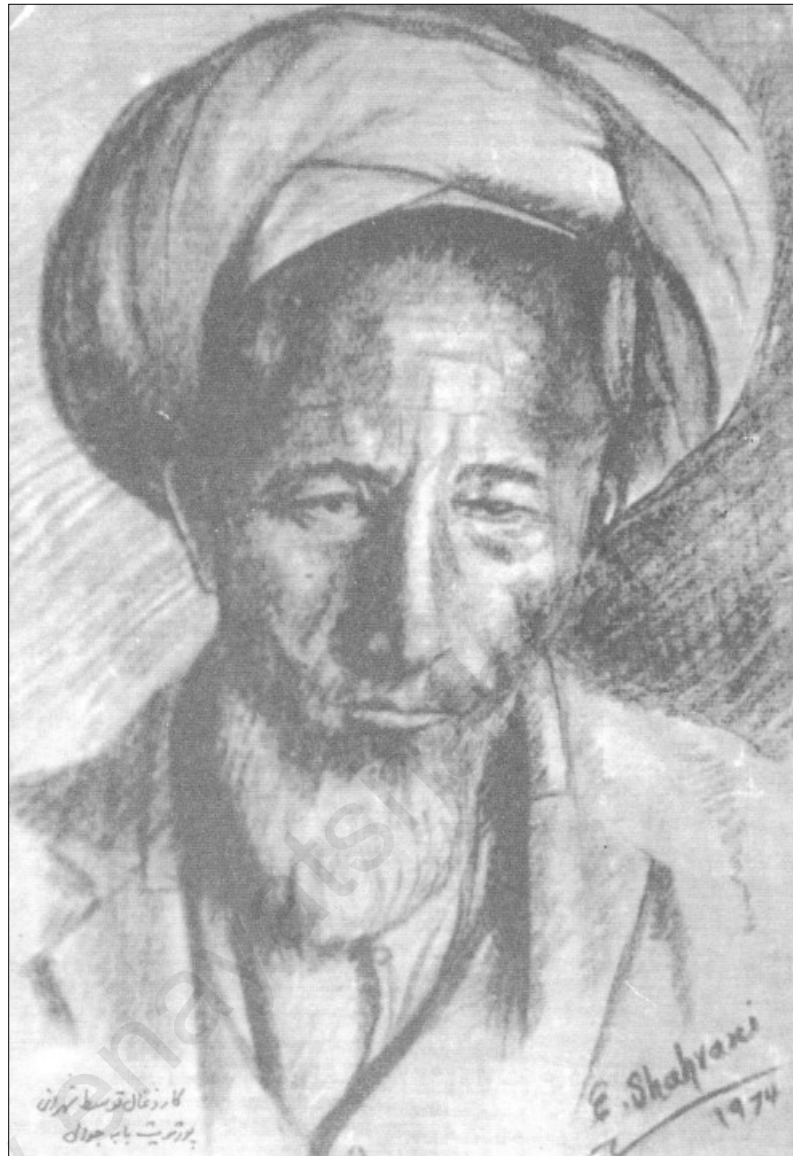
عنایت الله شهرانی
در کنار تابلوی "بابرشاه" در
یونیورسیتی پشاور سال ۱۹۸۱ م



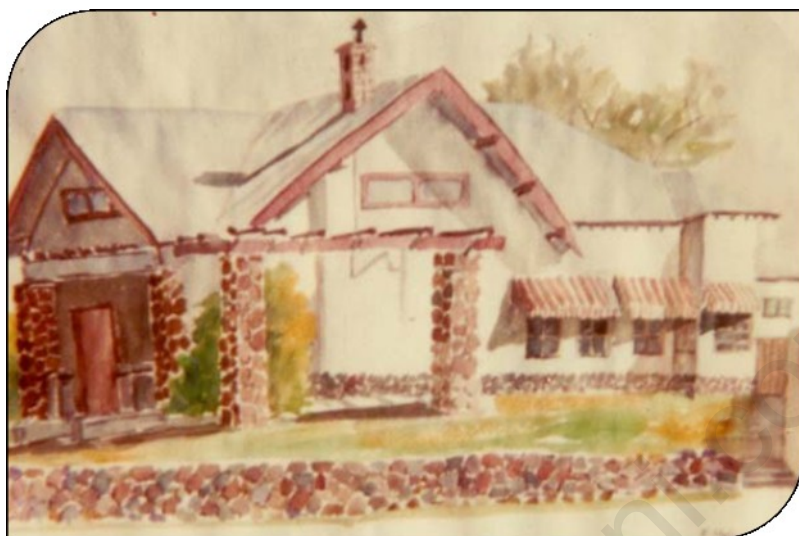
عنایت الله شهرانی
سال ۲۰۰۶ م



پورتريت خانم گلجان شبنم، توسط عنایت الله شهبانی، کارپنسیلی
کابل ۱۹۶۴ م



کار ذغال توسط ع. شهرانی پورتريت بابہ جوالی



نقاشی مستقیم برنگ آبی بدون سکیچ پنسلی
توسان اریزونا، اثر شهبانی ۱۹۷۷ م



پورتريت دختر قندهاری
کار پنسلی، ۱۹۶۶ م کابل
از شهبانی



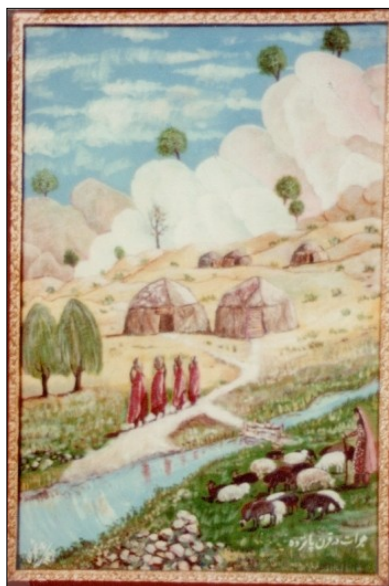
جادهء مردم (ازدحام شهر کابل)
برندهء جایزهء مطبوعات
اثر شهبانی،
کابل، ۱۹۶۷ م (۱۳۴۶ هـ .ش)



شگوفه، رنگ روغنی،
توسان اریزونا، کار شهبانی



شیرین فرهاد، ترکیب میناتوری با ریالیزم،
رنگ روغنی، پشاور ۱۹۸۲ م، اثر شهبانی



اطراف شهر هرات در قرن پانزده
(رنگ روغنمزج ریالیزم و میناتور)
اثر شهراي (پشاور ۱۹۸۲ م)



لیلی و مجنون، رنگ روغنی،
مزج میناتور با ریالیزم
اثر شهراي (پشاور ۱۹۸۲ م)



بدخشان، رنگ روغنی اثر شهرانی
سال ۱۹۷۷ م



نمونه های کار شهرانی



دیزاین های مثلثی توسط شهرانی و یکی از ابتکارات وسبک موصوف .



از راست به چپ:
محمد نجیم آریا (معین وزارت
مطبوعات در وقت افتتاح نمایش
شهرانی)، نفر دوم شبلم غزنوی و
نفر سوم عنایت الله شهرانی
۱۹۶۶ م، کابل.

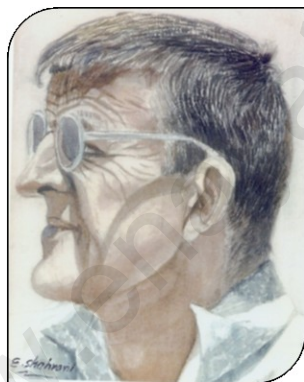


Enayat Shahrani in his Studio, Kabul Teachers Training College.

Mahatma Gandhi by Enayat Shahrani, Kabul ۱۹۶۸

پورتريت مهاتما گاندى توسط ذغال از عنایت الله شهرانی

جنرال محمد علی خان
رئیس سابقهء قول اردوی
وزارت دفاع افغانستان،
رنگ آبی، کابل ۱۹۷۰ م
کارشهرانی



پورتريت پروفیسور داکتر ریچارد . ای . کینگ
مشاور امریکایی فاکولتهء تعلیم و تربیه و استاد
نگارنده و مشوق درجه یک شهرانی در خصوص
نقاشی، رنگ آبی، کابل سال ۱۹۷۰ م.



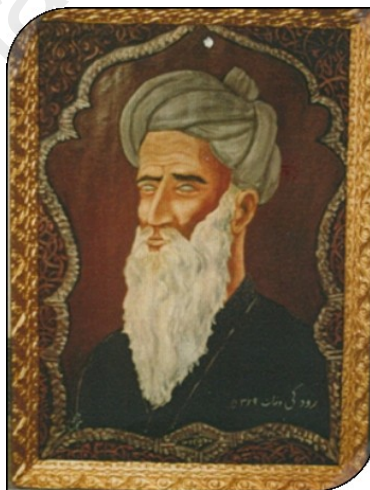
امیر علی شیر نوائی، کارشهرانی،
کاپی، ۱۹۸۱ م



حضرت جامی،
کاپی، کارشهرانی ۱۹۸۱ م



بابرشاه، کارشهرانی، کاپی،
پشاور ۱۹۸۱ م



رودکی،
کاپی، کارشهرانی، پشاور ۱۹۸۱ م

امیر خسرو بلخی ثم دهلی
کار شهبزانی ۱۹۸۱ م پشاور



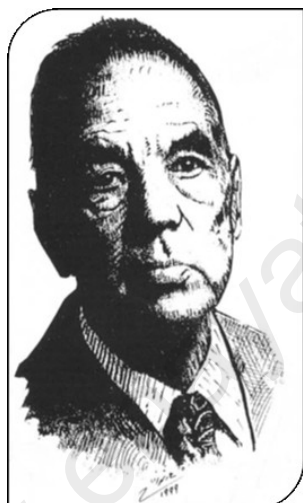
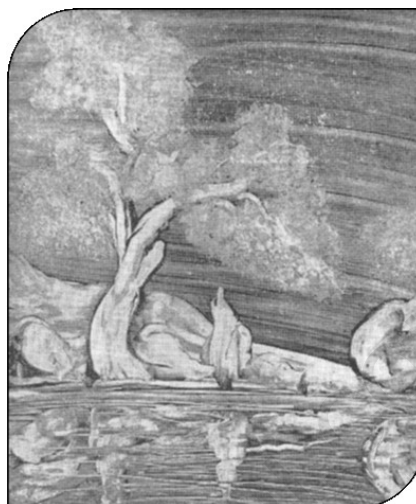
کنشکای کبیر، کار شهبزانی
پشاور ۱۹۸۱ م

زردشت، اثرع. شهبانی، روغنی
(کاپی پشاور ۱۹۸۱ م)

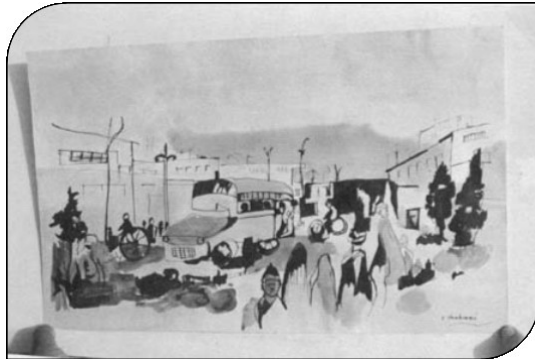


سلطان حسین بایقراء ، رنگ روغنی،
کار از شهبانی پشاور ۱۹۸۱ م

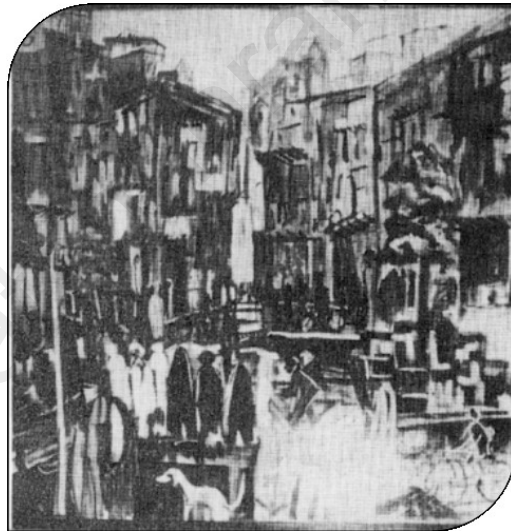
فینگرپرنت
(نقاشی با انگشتان)،
کار شهرازی ۱۹۶۵ م
دارالمعلمین کابل



پورتريت استاد
علی رضوی،
کار شهرازی



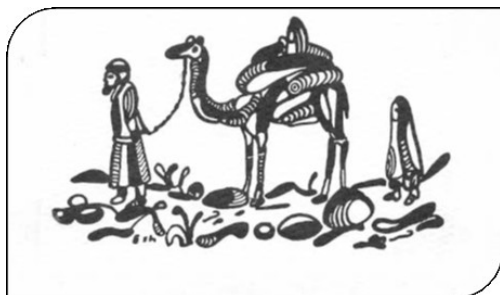
کابل قدیم، رنگ آبی
با نوک آهنی کار
شهرانی، ۱۹۶۷ م
دارالمعلمین کابل



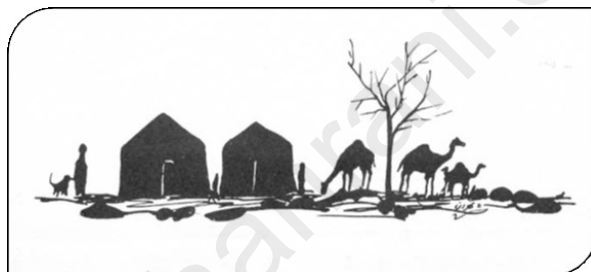
تابلوی "جادهء مردم"
اثر عنایت الله شهرانی
برندهء جایزهء مطبوعاتی
در سال ۱۹۶۷ م کابل



این عکس در صفحه سوم روزنامه ملی "انیس" دوم حوت سال ۱۳۴۵ شمسی بچاپ رسیده و مضمون پائین در زیر عکس مذکور در روزنامه انیس چنین است: "به سلسله نمایشهای آرت و رسامی در مرکز کلتوری سفارت امریکا در شهرنو کابل قرار است در حدود پنجاه قطعه آثار رسامی شاغلی عنایت الله شهرانی (طرف چپ) و شاغلی غلام محی الدین شبنم در معرض نمایش قرار داده شود. این نمایش بساعت چهارونیم بعد از ظهر روز سه شنبه دوم حوت ۴۵ افتتاح شده تا ده حوت همه روزه از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر برای تماشا باز خواهد بود. هردو نفر مذکور معلمین لیسه دارالمعلمین کابل اند. شهرانی مضمون روانشناسی و شبنم آرت تدریس مینماید. این دو نفر از اعضای فعال انجمن آرتیستهای افغانستان بشمار میروند."



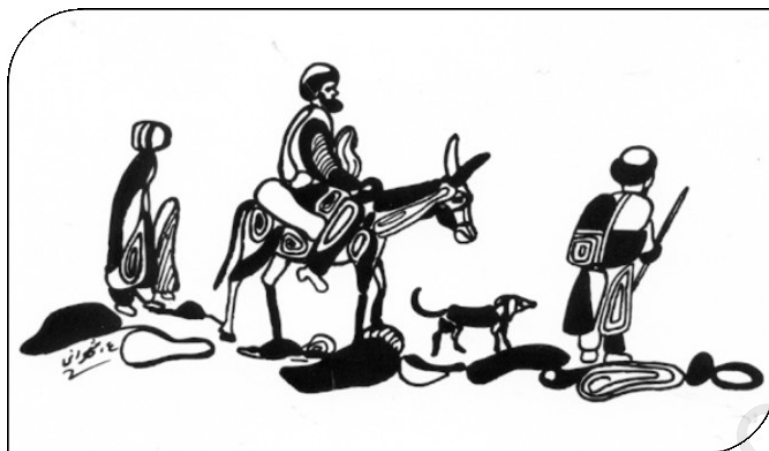
مسافر، کار شهرانی ۱۹۶۶ م



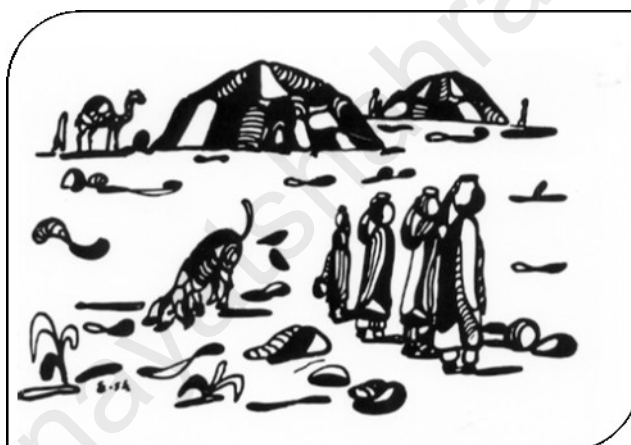
کوچی، کار شهرانی



چوپان، کار شهرانی



سفر در کلفگان تخار، کار شهبزانی ۱۹۶۶ کابل
کار نوک آهنی



کوچی، نوک آهنی کار شهبزانی، کابل ۱۹۶۶ م



یورت (خیرگاه) پامیر، کار شهرازی ۱۹۶۶ م نوک آهنی



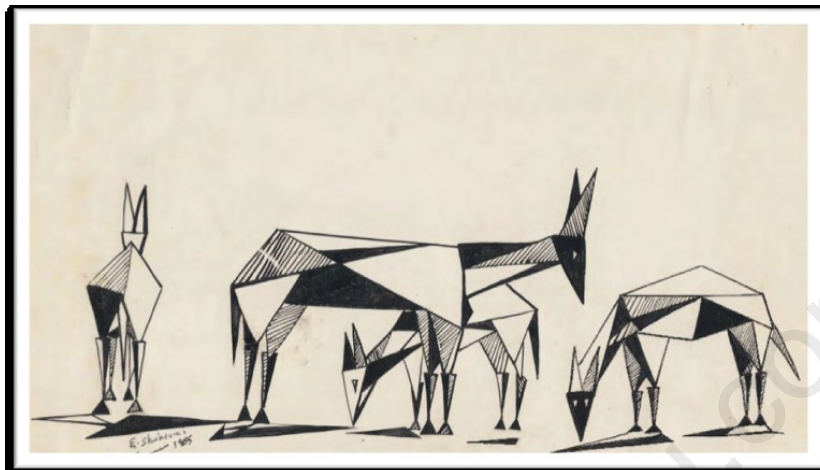
منار چکری شیوه کی، کار شهرازی، نوک آهنی ۱۹۶۶ م



کوچی، کارنوک آهنی (سبک خاص شهرازی)، کابل ۱۹۶۵ م



زیارت، کارنوک آهنی شهرازی، کابل ۱۹۶۵ م



این تابلو در سال ۱۳۴۴ ه.ش مطابق، ۱۹۶۵ میلادی در ورکشاپ آرت باختر
 آژانس وزارت مطبوعات توسط شهرانی ابتکار و اختراع گردیده و از طرف
 وزارت مذکور در روزنامه کابل تایمز بنام سبک خاص شهرانی تثبیت و اعلان
 گردیده است.

(بتاریخ دوم نومبر سال ۱۹۶۵ م)

PAGE 3 *The Kabul Times, Nov. 12, 1974*

"Real art is one inspired by nature" ...Shahrani

BY A STAFF WRITER

"I was still a small boy when I began to paint on walls and flat things with charcoal and whatever I could find. No one in my family prevented me from this. I did not know then what I was doing, but now I understand that I had unconsciously started painting. Of course, I did not have any body to teach or instruct me in this field-my interest was my only teacher.

These are the words Enayatullah Shahrani said during an interview at Kabul University Library where an exhibition of his works is being held. Shahrani is a lecturer in the Faculty of Literature and Humanities at Kabul University. He graduated from Teacher's Training School and joined the Faculty of Education. He is one of the first graduates of this faculty.

Shahrani calls himself an amateur artist. "Through I am more interested in realism and cubism, I don't follow any particular recognized European style," he says.

"It was between 1965-66 when I created some cubistic pieces which attracted the attention of many artists and art lovers," he adds.

Shahrani is the author of a book titled "Art in Afghanistan" which contains the biographies of 44 painters of the country.

"I have produced 800 paintings so far. Though some of them have been sold at good prices. I don't believe in merchandising art."

Six years ago one of Shahrani's painting by the name of "public path" got a Press award.

At the present exhibition, being held at the Kabul University Library, Shahrani's 57 paintings are on display, among them he himself is more interested in Badakhshan Snow, The Afghan Girl, The Arch of Bust, People's Road and the Portrait of Jora Beig Oglli.

"The best work in art is the one inspired by the nature, or the one reflecting people's wishes and desires. Otherwise, the art deviates from its Original path" asserts Shahrani.



Another piece by Shahrani



profile of a youth from Pakhtia

THE KABUL TIMES

NOV. 13, 1966

Early Life In Badakhshan Inspires Artist

Enayatullah Shahrani, whose one-week show of paintings at the exhibition hall of the Ministry of Information and Culture closes today, says he is greatly encouraged by the response of the public. The exhibition includes 173 works of the young artist done during the last five years.

Although this is the first time he has held a one-man show, Shahrani has been dedicatedly polishing his skill for more than 10 years. He leans heavily on his own imagination and experiences but does not refrain from seek-

ing guidance from noted artists of the country such as Abdul Ghafour Breshna.

Shahrani is working on a book called contemporary Artists of Afghanistan. He says, "this has afforded me an opportunity to visit and talk with each artist and find out their experiences." The book is to come out shortly.

Nearly all Shahrani's works are inspired by his early life in the fabled Badakhshan valleys, and the life lived there by Kochis and others. The lines rapidly drawn by his pencil create images of

tents and caravans, and the countryside in the form of cubes, squares and rectangles with astonishing vividness. He also works on canvas, and spends some time on oil paintings.

The artist from Kash, Badakhshan, feels that it is important for an artist to draw on his background, culture and experience to give his work individuality. And Shahrani is clearly aware of this. Shahrani is now an art teacher at the Teachers Training School in Kabul.

Although Shahrani liked to draw even when he was young and started drawing seriously in the 12th class, he did not decide to become an art educator until his senior year in the College of Education, from where he graduated in 1965. The winter between his junior and senior year was spent at the Teachers Training School, during which he collaborated with the art teacher, Shabnam, to write a book about art and secondary education.

He likes experimenting with all styles, media, and techniques, and feels students must be given a variety of art experience to find out what they like doing best. He feels art can become a very important part of life in Afghanistan for self-expression, in the fields of commercial art and in the home as much as in the professional field of fine arts. He would like to work towards developing a new curriculum for art education in Afghanistan, so as to develop a definite school of Afghan art. However, as an educator Shahrani does not confine himself to art. He is also interested in psychology and sociology. Knowledge of these subjects is necessary, he feels, for all educators whether they teach arts of physical education or physics. To impart some of this knowledge to his students, he takes psychology classes in the Teachers Training School.

He is one who abhors commercialism in arts. He has sold hardly any of his works. "I consider my works as notes the students take in the classes. Looking at them I learn more of what is missing," he says. "However, now and then, when pressed for money, he does work on special assignments.



Shahrani standing beside some of his works.



کابل تایمز، نومبر ۱۹۷۴



قسمت سوم

تقاریر هنرمندان و دانشمندان بزرگ در دو کتاب

تذکره نقاشان افغانستان و اصول تدریس هنر

www.enayatshahri.com

تقریظ به کتاب "اصول تدریس آرت تربیوی"

ارجمند شاغلی عنایت الله شهرانی محصل صنف چهارم پوهنئی تعلیم و تربیه دو سال قبل منحیث شاگرد و در سال گذشته طور سامع در ساعات درس من در پوهنئی حصه گرفتند.

شاغلی شهرانی استعداد شایان و ذوق مفرطی در رسامی دارند آنچه از اساتذده و ارباب فن در اصول تدریس آرت نمایشی و انتزاعی انداخته اند آنرا بصورت یک رساله در رشتهء تحریر آورده اند.

مطالعهء این اثر برای معلمین و خصوصاً معلمین رسم خالی از فایده نیست. من به این جوان با اخلاق و باذوق پوهنئی تعلیم و تربیه که در آینده معلم و مربی خوبی خواهند شد راجع با این اثرشان تبریک گفته و موفقیت مزید برایشان مسئلت میکنم.

استاد عبدالغفور برشنا

مشاور وزارت معارف و امر مکاتب آرت و صنعت

تقریظ به کتاب "اصول تدریس آرت تربیوی"

ازسالیان درازست که مضمون آرت بنام رسم و کاردستی در مسلک سایر مضامین مفیده جزو پروگرام درسی معارف افغانستان عزیز شناخته شده وتوسط معلمین ورزیده مسلکی بصورت خاص عملی و در مکاتب تدریس میشود.

نظر به اقتضای عصر و زمان آرت ابتکاری که فعلاً سراسر مردم جهان را بخود متوجه ساخته ایجاب میکند که باید شاگردان در پهلوی کارهای عملی بصورت نظری نیز در باره مزایای آرت ابتکاری تحریر و تقریر کرده بتوانند.

بنابر آن ضروری افتد تا یک اندازه مواد برای تدریس جنبه های عملی و نظری آرت ابتکاری تهیه و بدسترس معلمان کشور گذاشته شود. مخصوصاً تجلی که درین چند سال اخیر باثر اقدامات و نیک بینی های وزارت جلیله معارف نصیب مسلک آرت و هنرهای زیبا در مملکت شده قابل قدر است.

این مضمون تازه را که آقای عنایت الله شهرانی تحت عنوان آرت، با ذوق و علاقه خاص هنری خویش در رشته تدریس آموزش آرت ابتکاری نگاشته اند واقعاً برای بهتر ساختن اصول تدریس آرت خیلی مفید و با ارزش است.

من بحیث یک آرتست موفقیت این نویسندهء جوان را پیش از پیش تمنا
و افزایش همچو اشخاص هنرمند را در وطن عزیز از بارگاه خداوندی
استدعا دارم.

غلام محی الدین شبنم
استاد مرکز آرت تربیوی دارالمعلمین کابل

تقریظ به کتاب " هنر در افغانستان "

کتابی را که شاغلی شهرانی در باره نقاشان و یا هنرهای زیبا در افغانستان تحریر داشته و کوشش ورزیده تا نظری هم به نقاشان معاصر افکنده مختصری از سوانح هرکدام را تا جائیکه در قدرت او بوده است جمع آوری نماید بزعم من خدمت‌یست شایسته و قابل قدر، زیرا هنرمندان گذشته ما غالباً نام و شهرت شان را باخود بگور بردند و اسمی از ایشان بدبختانه برای ما باقی نمانده است. همچنان که برای نسل موجوده اسم هیکل تراشان قرن شش و هفت میلادی، نقاشان قرن هفده، هژده و نوزده میلادی و معماران چیره دست دوره سلطان حسین میرزا و یا دوره سدوزائی و محمد زائی در قرن نوزده برای ما مجهول است، در صورت عدم توجه اسم و شهرت هنرمندان معاصر ما نیز از خاطرها فراموش میگشت. من این اقدام نیک شاغلی عنایت الله شهرانی را میستایم و به جوانان معاصر توصیه میکنم تا خدمت او را بنظر تحسین دیده کوشش نمایند تا در بنای تعمیر هنر و ثقافت این مملکت باستانی خشت دیگری بگذارند و آنرا باعث فخر و مباهات نسل های آینده سازند.

استاد عبدالغفور برشنا

تقریظ به کتاب " هنر در افغانستان "

کتاب هنر و رسامی افغانستان که هنرور جوان شاغلی عنایت الله شهرانی نوشته اند، مطالعه شد.

چون درین مورد تا کنون کتاب جداگانه که حاوی شرح حال هنروران معاصر و تخلیقات هنری ایشان باشد، ترتیب نیافته است، بنابراین این سعی نویسنده جوان و هنرور عنایت الله شهرانی در خور قدردانی و تحسین است، چون خود نویسنده گرامی هنرمند است، او میتواند آثار هنروران معاصر را از نظر هنر تشخیص و تقدیر نماید.

در باره تاریخ هنر در دوره های سابق تاریخ افغانستان بسا منابع و مراجع در زبانهای خارجی و فارسی داریم، واغلب هنرمندان دوره درخشان هنر تیموریان هرات را میشناسیم، ولی راجع به هنروران متأخر کتابی در دست نبود.

من مساعی مؤلف جوان و هنرمند این کتاب را در خور ستایش میدانم و امیدوارم که در قدم های دیگر به تکمیل بیشتر آن موفق شوند و دوره های بسیار روشن هنری افغانستان را در تاریخ بیشتر مطالعه نمایند و علی العجاله باید این کتاب نشر شود.

عبدالحی حیبی

یک نظر گذرا بر کتاب هنر در افغانستان

دانشمند محترم داکتر عنایت الله شهرانی، هنوز محصل دانشگاه کابل بود که احساس و علاقه خود را با آفرینش های هنرمندان و فرهنگیان معاصر گره زد و تا حد امکان نیرویی که در خود ذخیره داشت، در راه معرفی شخصیت ها و آفریده های هنری و ادبی شان گام های استواری برداشت.

کتاب " هنر در افغانستان " مؤید زحمات دوران تحصیلی ایشان است که در سال (۱۳۵۰ ه. ش) مطابق (۱۹۷۱ م) در مطبعه معارف بچاپ رسید، وسخت مورد استفاده مراکز هنری و علاقمندان قرار گرفت. من در آن سالها شاهد عینی زحمات و تلاش های خستگی نا پذیر استاد شهرانی بودم، که در تألیف این کتاب چه مشکلات خستگی نا پذیر را متحمل شده است.

این کتاب که از دوره زندگانی پروفیسور غلام محمد میمنگی تا نقاشان سالهای پنجاه هجری شمسی را دربر گرفته است. بهترین پاسخگوی پرسش ها و نیازمندی های هنر آموزان بود، حتی اکثر دست اندرکاران هنر که چهره های شناخته شده هم بودند، از فرود و فرازهای تاریخ صنایع مستظرفه کشور عزیز خود، اطلاعات کافی نداشتند.

نا گفته نگذاریم که به تأیید گفتار استاد شهرانی در تألیف این کتاب، روانشاد استاد برشنا که نامش بسان مشعلی در قلمرو هنر اصیل افغانستان همیشه فروزان است، نقش عظیمی داشته و به استاد شهرانی از هیچگونه تشویق و رهنمایی دریغ نکرده است.

این کتاب تا امروز یک غنیمت بزرگی برای هنر دوستان است، ولی نکته قابل تذکر اینست که امروز همه پدیده های زندگی در مسیر تحولات شگفت آوری قرار گرفته و همزمان هنر نیز دامنه آفرینش های خود را وسیع تر کرده است، به ویژه کشور عزیز ما که با گذشته دو دهه، طاعون سکوت و شکنجه را در گورستان تاریخ سپرده، بیمورد نیست که استاد شهبانی با تجدید نظر جامع تر و مشرح تر این کتاب را دوباره بدست نشر بسپارد، چه با انقلابات تکنالوژی در همه ساحات زندگی، نیازمندی ها بیشتر شده و خواست های انسان امروز پیش از پیش فراختر شده است، خاصتاً نیازهای هنر آفرینان جوان را چه در داخل و چه خارج از مرز کشور در شناخت شخصیت های گذشته خود بیشتر شده و عجالتاً این کتاب یگانه اثریست که رقیبی در کنار خود ندارد.

بانیست خاطر نشان ساخت که کارهای فرهنگی و هنری استاد شهبانی تنها به تألیف این کتاب خلاصه نمی شود، بلکه آثار زیادی را درین زمینه ها تا کنون بدست نشر سپرده و چکیده های دیگر او هم آماده چاپ است، که بدون شبهه خدمات مقدس شان در روشن ساختن زوایای تاریخ فرهنگ و هنر قابل هرگونه ارجگذاری است.

من بحیث یک هنرمند خارج از دایره هنر به علت ناتوانی هایی که در خود سراغ دارم، این همه خدمات چشمگیر استاد شهبانی را از هر رهگذر ستایش نموده از خداوند بزرگ برای شان طول عمر و سعادت بی پایان می خواهم تا در غنای گنجینه های فرهنگ و هنر، بانروی وطنپرستی خود گام های بیشتر بردارند.

(نوشته استاد کهزاد، امید شماره ۵۴۷ صفحه هفتم)

نویسنده: اکادمیسن دستگیر پنجشیری

هنر و طایفه داران هنر در افغانستان

ازنای و قلم که شعله افروز بود
 پرشور و خروشنده شب و روز بود
 ای دوست شنو، راز دل خسته ی ما
 فریاد زمان و استخوا نسوز بود
 "فروغ هستی"

هنر و طایفه داران هنر در افغانستان:

"هنر در افغانستان" اثر با ارزش پژوهشی و تاریخی پروفیسور داکتر عنایت الله شهرانی است. استاد عنایت الله شهرانی در هشتم قوس سال ۱۳۲۱ خورشیدی برابر به یازدهم نوامبر ۱۹۴۲ میلادی در روستای شهران ولسوالی خاش ولایت بدخشان افغانستان در یک خانواده فرهیخته و ترک تبار بدخشان تولد یافته است. استاد عنایت الله شهرانی فرزند روانشاد الحاج عبادالله شهرانی عالم دین بوده، در ولسوالی خاش وظیفه معلمی داشته اند. درچنین محیط آموزشی و پرورشی مساعد استعداد های درخشانی از جمله پروفیسور داکتر عنایت شهرانی جوانه زد رشد کرد و پر برگ و بار شد. پروفیسور داکتر عنایت الله شهرانی تعلیمات آغازین خود را

در مکتب ابتدایی و لسوالی متوسطه و ثانوی را در لیسه ابن سینای بلخی - دار لمعلمین کابل و تحصیلات عالی را در دانشکدهٔ تعلیم و تربیت دانشگاه کابل پیروزمندانه به پایان رسانید و دیپلومهای ماستری و دکترای خود را از دانشگاه اریزونا ایالات متحدهٔ امریکا به دست آورده اند. اصول تدریس هنر، تعلیم و تربیه هنر در افغانستان و دوییتی های تاجیکی، از نخستین و سودمندترین آثار چاپی دوران جوانی پروفیسور دکتر عنایت الله شهرانی میباشد.

"هنر در افغانستان" و این اثر تاریخی هنری استاد عنایت الله شهرانی یکی از همان آثار ماندگاری است که به باورم هیچ هنردوست هنرمند و هنر پژوهی از پهلوی این اثر تاریخی- هنری و فرهنگی افغانستان باچشمان بسته و بی تفاوت عبور نمیتواند.

این اثر تاریخی - هنری از سوی ریاست تألیف و ترجمهٔ وزارت معارف با مقدمهٔ مؤلف و تقریظهای کار آگاهانه و رهگشای استاد عبدالغفور برشنا و پوهاند عبدالعی حبیبی، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی در ۱۲۰ صفحه و با تیراژ یکهزار جلد در مطبعهٔ فرانکلن وزارت معارف افغانستان، طبع و نشر شده است.

کتاب "هنر در افغانستان" هرچند از کارهای آغازین پژوهشی و مونوگراف دوران دانشکدهٔ پروفیسور عنایت الله شهرانی بوده است و درست به عمر ۲۱ سالگی فرایند کار پژوهش تدوین و تألیف و نشر آنرا بپایان رسانیده اند.

ولی استاد بزرگ هنر نقاشی؛ زنده نام عبدالغفور برشنا و روانشاد استاد عبدالعی حبیبی، در تقریظهای موجز و آموزنده خویش، تلاشهای پر امید

مؤلف جوان و "هنرور افغانستان" را درخور ستایش پنداشته اند و او را در ۱۳۵۰ خورشیدی به پژوهش گسترده تر ژرف تر و تکمیل دوره های بسیار روشن و باستانی هنر به ویژه، به پژوهش، تدوین و تألیف کارنامه های درخشان هنرمندان گمنام و نامدار دوران تیره و تار و سیاه سیطره استعمار بریتانیای کبیر و استبداد - استعماری (دوران سدوزاییان و محمد زاییان افغانستان) نیز تشویق کرده اند.

بر پایه پژوهش استاد عنایت الله شهرانی، یکی از این هنرمندان چیره دست افغانستان، پروفیسور غلام محمد مصور میمنه گی بوده اند. این ستاره درخشان هنر، در ولایت فاریاب افغانستان در سال ۱۲۵۲ خورشیدی زاده شد، در کودکی یتیم و از مهر پدر محروم گردید. در هفت ساله گی روبه کابل نهاد. نقاش چیره دست شد. به جنبش مشروطیت اول پیوست و در پایان سال ۱۹۲۱ به اروپا سفر کرد. فن چاپ سنگی را در جرمنی آموخت. به کسب لقب پروفیسوری توفیق یافت. برای نخستین بار مکتب صنایع نفیسه را در شهر کابل بنیاد نهاد. پروفیسور غلام محمد مصور میمنه گی در رسامی و نقاشی استعداد خلاق داشت در معماری و مهندسی نیز از توانایی فراوان برخوردار بود. گهگاه شعر میسرود، پروفیسور غلام محمد مصور میمنه گی پس از بازگشت به وطن بجای امضای قبلی خویش به روایت پروفیسور عنایت الله شهرانی فقط "غلام محمد" را به رنگ سرخ می نوشته اند

تابلوهای گرانبهای این هنرمند شایسته میهن، تا سی و هشت سال پیش در موزیم کابل محفوظ بوده است. پروفیسور غلام محمد بزبانهای ازبکی فارسی، آلمانی و انگلیسی تکلم میتوانست شایسته گفتن است که استاد

محمد کریم نزیبی شوهر دختر و مرحوم نجیب الله سرخابی و محترم محمد همایون سرخابی از نوه های فرهیخته پروفیسور غلام محمد این معلومات را در دسترس پروفیسور عنایت الله شهرانی قرار داده اند. پروفیسور غلام محمد خان و این خورشید درخشان هنر دریغا که در صبح پنجم قوس ۱۳۱۴ خورشیدی به عمر ۶۲ سالگی چشم از جهان پوشید و در عاشقان و عارفان شهر کابل جاودانه شده اند.

پروفیسور غلام محمد میمنه گی به تلخی باید یاد کرد که پس از دهه اول استقلال، گردانندگان سیاست فرهنگی افغانستان، با زیانها، ادبیات هنر ها هنرمندان معلمان پایه گذاری معارف نوین، کار گزاران عرصه فرهنگ روشنگران و روشنفکران افغانستان مستقل، برخورد ضد ملی ضد دموکراتیک آزادی کش و عاری از افتخار داشته اند و هر جا که در آثار هنری - پژوهشی و تاریخی پروفیسور دکتر عنایت الله شهرانی؛ نام هنرمندان برجسته دوران استقلال یاد شده است، بادریغ و درد قلم رهبران سیاست فرهنگی دوران سلطنت از فرط تعصب و خشک اندیشی بر اوراق تاریخ هنر در افغانستان، رنگ سیاهی را استفراغ و "قی!" کرده است.

آثار این بدعت تاریخی هنوز هم در صفحه های تاریخ "هنر در افغانستان" و در مطبوعات رسمی شنیداری و دیداری دولت اسلامی افغانستان، در دانشگاه کابل و وزارت فرهنگ افغانستان جلوه های ناخوشایندی دارد. و در برابر واژه های دانشگاه، دانشکده، دانشجو و دانشور از سوی رهبران ثبات پرست و کژآهنگ سیاست فرهنگی افغانستان، حساسیت جنون آمیز نشان داده میشود.

انگیزه های پژوهش و تدوین کتاب هنر در افغانستان :

نخستین و نیرومندترین انگیزه تدوین کتاب هنر در افغانستان، ذوق و استعداد طبیعی این فرزند مردم هنر پرور بدخشان و وطن بوده است. ثانیاً استادان داخلی و خارجی دانشکده تعلیم و تربیت دانشگاه کابل استعداد و ظرفیت بالقوه هنری را در بین دانشجوی جوان دانشکده هنرهای دانشگاه کابل، شناخته و تشخیص کرده بوده اند.

ثالثاً در دوران تیره و تار استبداد استعماری، تسلط زمینداری، اربابی و قبيله سالاری به آموزش پرورش استعدادهاي هنری و گسترش فرهنگ و غنای زبانها، هنرها و نقش آفرینشی و معرفی سخنوران و هنرمندان مبتکر و خلاق چندان توجهی نمیکرده اند، بنابراین اهمیت ارزش کتاب "هنر در افغانستان" در تازه گی و نو آوریهای آن نهفته است. این حقیقت در تقریظ موجزی بازتاب یافته است که به قلم استاد عبدالحي حبيبي درباره اهمیت و ضرورت نشر کتاب "هنر در افغانستان"، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی و سالهای آخر سلطنت محمد ظاهر، (شاه مخلوع و متوفاً) به این الفاظ نوشته شده است:

"درباره تاریخ هنر در دوره های سابق تاریخ بسا منابع و مراجعی در زبانهای خارجی و فارسی داریم و اغلب هنرمندان دوره درخشان هنر تیموریان هرات را می شناسیم ولی راجع به هنروران متأخر کتابی در دست نبود.

من مساعی مؤلف جوان و هنرمند این کتاب را درخور ستایش میدانم چون درین مورد تاکنون کتاب جداگانه که حاوی شرح حال هنروران معاصر و تخلیقات هنری ایشان باشد؛ ترتیب نیافته است. بنابراین این سعی نویسنده جوان و هنرور (عنایت الله شهرانی) درخور قدردانی و

تحسین است و امید وارم که در قدمهای دیگر به تکمیل بیشتر آن موفق شوند و دوره های بسیار روشن هنری افغانستان را در تاریخ، بیشتر مطالعه نمایند و علی العجاله باید این کتاب نشر شود.

ولی عمده ترین انگیزه پژوهش تدوین طبع و نشر کتاب "هنر در افغانستان" نزد مؤلف این بوده است تا به این بهانه، با استادان رسامی نقاشان و هنرمندان برجسته و آفرینشهای با ارزش هنری آنان از نزدیک آشنا شود. استاد عنایت الله شهرانی با باور ژرف و شناخت رمز و رازهای پر از شگفتی پدیده های هنری استاد عبدالغفور برشنا، به این حقایق روشن آگاهی یافت که: رشد آگاهی ملی و همبسته گی رزمنده ملی مردم، با رستخیز فرهنگی ادبی و تحول کیفی جامعه مستعد به تکامل ما پیوند ناگسستی دارد.

بنابراین میتواند و باید نام و نشان و شهرت هنرمندان خلاق، این معماران و پاسداران فرهنگهای مادی و معنوی جامعه چندین قومی و ملی سرزمین مستعد به تکامل خود را به گونه آثار با ارزش هنری آنان، جاودانه کند و از تجارب غنامند زنده گی این شخصیتهای چندین بعدی و برجسته دوران استقلال افغانستان پند و پیامهای آزادی بخش و سودمندی بیاموزد.

یکی از این طلایه داران هنرهای شگفتی آفرین دوران استقلال وطن استاد عبدالغفور برشنا بوده اند. این نقاش برجسته، سخنور آگاه، موسیقی دان و ترانه ساز پیشگام مین، دردهای ریشه دار ملی فرهنگی و اجتماعی همه گروه های قومی و مذهبی مین را تا مغز استخوان احساس و در تار و پرده های موسیقی، در تابلوهای نقاشی و در تصنیفها و شعر

های طرب انگیز خویش؛ به اشکال پدیده های گونه گونه هنری با چیره دستی بیان وزمزمه میکرده اند.

زنده نام استاد برشنا در همان نیمه اول سده بیستم با شناخت ژرف دردهای استخوانسوز از نظر افتاده گان و هنرمندان کشور، پیش و بیش از هر بیروکرات دولت سلطنتی؛ آگاهانه، پر خاشجویانه و داد خواهانه نوشته اند که: " هنرها، استعدادها، تابناک هنری هیكل تراشان میناتورکاران خطاطان و تذهیب کاران، کاشی کاران، نجاران، معماران و دیگر رشته های هنرهای ظریف و حرفه ها، غالباً به جاودانی ساختن نام و شهرت سلاطین وامیران خدمت کرده است.

ولی نام و شهرت آفریننده گان میراثهای با ارزش هنری و پاسداران صدیق فرهنگهای مادی و معنوی جامعه مستعد به شگوفایی ما، با همه رنجهایی که برای آفرینش این پدیده های خیره کننده هنری می کشیده اند به گورستانهای گمنامی سپرده میشود است. براسی که تا کنون هیچ امیری پادشاهی و رئیس جمهوری در شهرهای تاریخی بلخ، قندهار، غزنی، بامیان، کاپیسا، پروان، تخارستان (به استثنای کارگزاران با فرهنگ شهر هرات) چنین مراکز فرهنگی باغها و تفریحگاهی را بنام آفرینشگران آثار هنری و فرهنگی و پاسداران واقعی میراثهای فرهنگی مردم افغانستان آگاهانه یاد و آباد نکرده اند.

درحالی که تاجیکستان جوان طی بیست سال استقلال خود شاداب ترین تفریحگاهها و مراکز فرهنگی شهر دوشنبه را بنام پایه گذاران هنر و ادبیات تاجیکستان مستقل آباد کرده اند. اگر چه خرابکاران بنیاد زبان ادبیات هنرها و فرهنگهای کهنسال و ریشه دار مردم مین و گروهی از

"غولان آدمرو" درینجاو آنجا تبلیغات حسودانه و زهر آگین میکنند. ولی با افتخار میتوان یاد کرد که در فردای قیام هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی زنده یاد استاد سعید مشعل و دیگر فرهنگیان شهر هرات، به کابل دعوت شدند. چراغ رهنمای سبک هنری کمال الدین بهزاد هروی به همکاری فرهنگیان شهر هرات پس از دوران استقلال و رهبری شاه امان الله بار دیگر روشن شد، همه پیشنهاد های خلاق استاد سعید مشعل، برای احیای "مکتب بهزاد" هرات ازسوی وزارت تعلیم و تربیت افغانستان نوین با امتنان و سپاسگزاری پذیرفته شد و خودش نیز که وارث شایسته هنر و هنروران سلاله کمال الدین بهزاد هروی بود. رهبری "دبستان کمال الدین بهزاد" را به عهده گرفت و چراغ هنر و ریزه کاریهای هنری بهزاد را در شهر تاریخی هرات روشنایی و فروغ نوین بخشید یاد و نام این نقاش خطاط، میناتورکار و هنرمند فرهیخته مہین به خیر و جاودانه باد.

زنده گینامه موجز استاد مشعل این چراغ رهنمای "مکتب بهزاد هروی" با کارنامه های هنری، و بیان درد و داغها و رنجهای بیکران ایشان از وحشت و غارتگری دوران سیطره طالبان به ویژه دردهای استخوانسوز ویرانی آثار با ارزش نقاشی و تندیسهای "اسپان سفیدی" که استاد مشعل در روزگار جوانی آفریده بود، به ویژه سوختن و بریاد رفتن و غارت شدن گنجینه بی نظیر نسخه های خطی دوران تیموریان هرات که غالباً از پدر خطاط، نسخه شناس و هنرمند چیره دست ایشان بجا مانده بوده، در تارنمای "جاودان" به ایجاز و شیوه غم انگیزی بازتاب یافته است.

اگر دردوران سلطنت بابر شاه، باغی و خانه ای در شهر کابل بنام بابر آباد شده بود از آن باغ و قصر شاهی نیز آگاهانه به سود شهریان کابل و گردشگران کشور هندوستان و فرارود آمو بهره برداری درست صورت نگرفت.

به هرحال کارداران فرهنگی سفارت خانه های هندوستان و ازبکستان، به بازسازی باغ و خانه بابر شاه گرایش دولتهای خود را ابراز داشتند. وزارت تعلیم و تربیت جمهور دموکراتیک افغانستان نیز تلاش پر امید کرد تا خانه بابر شاه به شکل موزیعی در آید و درکنار و نزدیکی این باغ بنای نوینی برای مکتب موسیقی و خانه فرهنگی نیز آباد گردد و با چنین تدابیری زمینه پرورش و مشق دانش آموزان مکتب موسیقی در فضای باز و هوای پاک و دور از مناطق مسکونی و درین تفریحگاه عمومی فراهم شود ولی علیرغم این پیشنهادهای سازنده وزارت تعلیم و تربیت و همکاری خیر خواهانه روانشاد مجید زابلی به وزارت آموزش و پرورش، بادریغ و درد فراوان، خانه ویرانه و تاریخی بابر شاه، به حکم تعصب آمیز و نظامیگرانه نخست وزیر "حفیظ الله امین"، آگاهانه، به خوابگاه قطعه پولیس شهری مبدل شد. شادمانم که تاریخ در سمت و سوی این آرزو های سرکوفته فرهنگی نوآوران جامعه بلاکش ما، هرچند با کندی ولی به حرکت پیشرونده و پرخم و پیچ خود ادامه داد و باغ بابر شاه عظمت تاریخی خود را پس از سی و اند سال تأخیر بازیافت و فقط درسالهای دموکراسی نیم بند و حضور و نفوذ مستقیم "جامعه جهانی!" ازسوی دستگاه ساختمانی ترمیم میراثهای فرهنگی "آغا خان"، بازسازی و یکی از آرزوهای دیرین شهریان کابل، ملل و مردمان دو سوی رود آمو و مردم

دوست و با فرهنگ هند به بهترین شیوه ممکن برآورده شده و روان وارثان بابر شاه شاد گردیده است."

این حقیقت تاریخی نیز سزاوار گفتن است که بابر شاه و خاندان او به سرسبزی شهر کابل پیرامون آن و به شادابی دره های کنر، ننگرهار، پروان، کوهدامان پغمان، تدویج وغرس درختان مثمر و پرمیوه از جمله "شاه آلو" آلوبالو، زردآلو، تاکهای انگور، نارنج، توت و دیگر میوه های سردرختی و آبادی باغها، چهارباغها و باغچه ها هزاران بار بهتر از امروزی می کوشیده اند، به همین دلیل بابر وصیت کرده بوده است که میت او را پس از مرگش به کابل زیبا، در باغ بابر شاه و در کنار قلعه با عظمت بالاحصار کابل به خاک بسپارند این وصیت بابر به همت شاه بانوی وفادارش درفصل گرما و با استفاده از انواع عطریات تحقق یافت و میت بابرشاه این امپراتور تورکتبار هندوستان، باشکوه شاهواری در "دل بیدار آسیا" و درشهر کابل به خاک سپرده و جاودانه شد. پدر این شهبانو از سر برآورده گان قبیله گشن بیخ و پرشاخه وبرگ یوسفزایی "دره دلکش سوات" و سنگر خونین تنظیمهای تندرو ایالت پشتونخوا و پاکستان بوده است.

به هر حال تصادفی نبوده است که زنده نام استاد عبدالغفور برشنا این خدمت شایسته استاد عنایت الله شهرانی را چهل سال پیش "خشتی بسود آبادی کاخ هنر و فرهنگ افغانستان ارزیابی، تحسین و هنرجوی جوان را به آفرینش شهکارهای هنری و دورنمای روشن هنرها و نگارش تاریخ صنایع مستظرفه در افغانستان تشویق کرده بوده اند."

در کتاب هنر در افغانستان زنده گینامه سبک و ویژه گیهای آفرینشی اکثر هنرمندان و رسامان دوران امیران و شاهان خاندان محمد زابی از امیر دوست محمد بنیادگذار تا محمد ظاهر شاه (۱۸۴۳-۱۹۷۳) آخرین شاه این خاندان به ایجاز کامل بازتاب یافته است.

شایسته گفتن است که پژوهش تدوین و تألیف چنین اثری در شرایط تیره و تار هویت باخته گی ملی ظلم ملی استثنا طلبی قومی و تمرکز خونین قبیله سالاری و بی باوری به میراثهای پسندیده فرهنگی و هنری افغانستان معاصر و خراسان قرون وسطایی کار ساده نبوده است. همانگونه که مؤلف گرامی این اثر هنری گواه راستین بوده اند؛ شماری از هنرمندان از نشر زنده گینامه و معرفی آفرینشهای هنری خود به دلیل سیطره خشک اندیشی و تعصبات ریشه دار خرافی جامعه، سخت می هراسیده و به مؤلف توصیه میکرده اند که: "پشت این گها چی میگردی و برو که مارا درکدام بلا گرفتار نکنی و به کاری که کار نداری چی کار داری؟ و غیره."

به همین دلیل مؤلف پر تلاش وطن در همان برهه تاریخ استبداد استعماری و در آستان زوال سلطنت محمد زبیبان، اطلاعات گسترده ترو مکمل تری درباره زنده گی و کار خلاق هنری و آثار با ارزش هنری این لایه اجتماعی بدست آورده نتوانسته است.

بخشی از هنرمندان و نقاشان به دلیل سلطه واپسگرایی در جامعه تصورات ذهنیگرانه داشته اند که شاید نشر زنده گینامه و تصاویر آثار هنری و مجسمه ها، به شهرت اجتماعی و سلامت ایمان آنان لطمه بزند و یا از سوی خشک اندیشان وسطیحی نگران مورد تعقیب عدلی قرار گیرند، به همین دلیل کارها و شهکارهای هنری آنان غالباً بی سروصدا و در منازل

شان به فرمایش هنردوستان و هنرپروران، جسته و گریخته با رعایت موازین غالباً پنهان کاری تداوم یافته و هیچگاهی در سطح ملی رنگ و رونق و بازار و نگارستانی نه داشته است.

و همانگونه که مؤلف این کتاب شکوه دارند دسترسی به هنرمندان نیز در آن شرایط کار دشوار بوده است، زیرا هنرمندان برای بدست آوردن لقمه نان حلالی در چندین جای به کارهای آفرینشی و آموزشی مشغول می بوده اند و بگونه امروز دسترسی به تیلفونهای بی سیم نداشته اند.

همچنین شناخت و تقدیر جایگاه هر یکی از هنرمندان و پدیده های گونه گون هنری برای مؤلف و هنرمند ۲۱ ساله و نورسته معارف عصری کار ساده نبوده است، ولی استاد دکتر عنایت الله شهرانی پس از گفتگو و مصاحبه با هنرمندان و رسامان مشهور معارف به این نتیجه گیری و باور نزدیک به حقیقت دست یافته بوده اند که اکثریت قریب به اتفاق هنرمندان به پیش کسوتی استادی و مقام والا و پراج هنری زنده نام استاد عبدالغفور برشنا و شمار دیگری از کارهای خلاق زنده نام استاد غوث الدین زنده یاد استاد کریمشاه و زنده یاد استاد خیرمحمد ستایش میکرده اند.

تا جایکه در پیشگفتار استاد عنایت الله شهرانی بازتاب روشن دارد. ایشان بیش از هر استاد دیگری خود را مدیون استاد عبدالغفور برشنا شخصیت بزرگ هنری و فرهنگی وطن میپندارند. زیرا جاودان یاد استاد برشنا در تکمیل تاریخ مقالت "صنایع مستظرفه" و تکمیل زنده گینامه هنرمندان گمنام قرن ۱۹ و نیمه اول قرن بیست از هیچگونه همکاری سخاوتمندانه دریغ نه کرده اند.

استاد عنایت الله شهرانی در کتاب هنر در افغانستان پس از "عرض مرام" و یک پیشگفتار ضروری زیر عنوان "تاریخ صنایع مستظرفه در افغانستان": معلومات بسیار موجز و تاریخی ای را دربارهٔ معابد بودایی تاریخ مجسمه سازی و نقاشی "هدۀ جلال آباد"، تاریخ شهکارهای سرخ بت و خنگ بت بامیان و مجسمه های بگرام و فندقستان غوربند، روشهای نقاشان مشهور یونانی، خدایان افسانه پی و خیالی روی سکه های یونان و باختری، آثار هنری قلعهٔ بست عصر غزنویان و پیرامون شهکارهای هنری تیموریان هرات، به ویژه دربارهٔ زنده گینامه "ستارهٔ درخشان آسمان هنر خطاطی و میناتور کارهای خلاق و بی همتای استاد کمال الدین بهزاد" هروی نوشته اند.

درین بخش نقش فعال و خلاق پروفیسور غلام محمد خان میمنه گی در فن چاپ سنگی، بنیادگذاری مکتب صنایع نفیسه و توسعه صنعت نساجی معماری مجسمه سازی کاشی کاری، سفال کاری، خیاطی قالین باقی و نجاری برجسته شده است.

در کتاب هنر در افغانستان زنده گینامه و تمثالهای روشن هنری زنده یاد پروفیسور غلام محمد میمنه گی و سبکهای هنری ایشان و زندگینامهٔ غلام علی امید خواهرزاده، فرزندان و خاندان گشن بیخ و پربار و برگ فرهنگی ایشان، زنده گینامهٔ خلیفه محمد عظیم ابکم فرزندان و دیگر رسامان و نقاشان گمنام کابل دوران امیر دوست محمد امیر شیرعلی خان امیر عبدالرحمن و زنده گینامه های هنرمندان دوران استقلال و معارف عصری و سبکهای کار آنان از جمله کارنامه های درخشان و چند بعدی هنری استاد عبدالغفور برشنا، استاد غوث الدین، بانو سیمین شکور

ولی، استاد کریمشاه، استاد فکری سلجوقی، استاد جان محمد، استاد محمد سعید مشعل هروی، استاد محمد یوسف کهزاد، همایون اعتمادی و استاد دکتر رحیم نوین و زنده گینامه تصویر و نمونه های کاری خلاق نزدیک به پنجاه تن از نقاشان استادان رسم معارف افغانستان هیکل تراشان و مجسمه سازان مشهور وطن بازتاب روشن یافته است.

پروفسور عنایت الله شهرانی از نشر کاریکاتورهای کم نظیری که در دوران رهبری دکتر عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور، در روزنامه انیس، مجله ژوندون و جریده ترجمان انتشار یافته است به نیکی یاد میکند.

درفرجام همزمان با نشر "هنر در افغانستان" تصویری از پروفسور عنایت الله شهرانی به نشر سپرده میشود که در ۱۳۵۰ خورشیدی ایجاد گردیده است.

لازم به یادآوری است که در آن هنگام پروفسور عنایت الله شهرانی ۲۱ سال عمر داشته و طی این مدت دهها اثر با ارزش ادبی هنری تاریخی ایشان به زبانهای انگلیسی، اوزبیکی، فارسی و پشتو طبع و نشر شده است. به امید آفرینش آثار نوین ادبی هنری و تاریخی این دانشمند و روشنفکر مبتکر وطن.

پیشنهاد های ضروری :

به وزارت های محترم آموزش و پرورش و تحصیلات عالی و مسلکی و وزارت فرهنگ پیشنهاد میشود که:

- درباره خلاقیت هنری و میراث های هنری هر یکی از استادان نامدار و گمنام کتاب "هنر در افغانستان" از سوی فارغان دانشکده هنر های دانشگاه کابل پژوهش های گسترده تر و ژرفتری صورت بگیرد.

- مونیوگرافها رسالات و کتب مستقل و با ارزش نوینی درباره هر یکی از این پاسداران فرهنگ های مادی و معنوی افغانستان در دانشکده هنر های زیبای دانشگاه کابل پژوهش نوشته نقد، طبع و نشر و تمثال های آنان در "نگارستان ملی" نگهداری شود.

- متن چاپ اول کتاب "هنر در افغانستان" توسط پروفیسور داکتر عنایت الله شهرانی از قید کنجکاو های بی مزه ی "سیاه کار های" استعدادکش دوران خشک اندیشی نزدیک به چهل سال پیش آزاد، باز آفرینی و آنگاه با غنای بیشتر و قطع و صحافت مرغوب تر از سوی وزارت آموزش و پرورش افغانستان امروزی با تیراژ بلند تجدید طبع گردد و در دسترس استادان هنر، رسامان، هنروران، هنردوستان، هنرجویان و هنر پژوهان دانشکده هنر های دانشگاه کابل قرار گیرد.

- درنصاب دارالمعلمین های نو بنیاد ولایات افغانستان مضمون ویژه و مستقلی برای آموزش و پرورش استعدادهای هنری دانش آموزان، تاریخ رسامی نقاشی مجسمه سازی و دیگر رشته های آرت ابتکاری و مسلکی برای مکاتب متوسطه و ثانوی و مسلکی مد نظر قرار بگیرند.

- نامگذاری دانشکده های هنرها، نگارستانها مکاتب صنایع ظریفه و نهادهای فرهنگی بنام نقاشان و استادان هنرها، و شخصیت‌های برجسته فرهنگی علمی، و در درجه نخست بنام جاودان یاد پروفیسور غلام محمد میمنه گی استاد برشنا، استاد غوث الدین، استاد کریمشاه، استاد مشعل، استاد فکری سلجوقی، استاد خیر محمد، استاد یوسف کهزاد و وروانشاد دکتر رحیم نوین، شایسته ترین ارجگذاری به هنر و هنرمندان و شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی کشور است.

- از پژوهش‌های پروفیسور عنایت الله شهرانی این حقیقت تاریخی آشکار میشود که مصوران و هنرمندان معماران خطاطان ترک تبار افغانستان به ویژه پروفیسور غلام محمد میمنه گی و خانواده هنرپرور ایشان و پروفیسور عنایت الله شهرانی دریایه گذاری نخستین مکتب صنایع و دانشکده هنرهای دانشگاه کابل و معرفی کارنامه های درخشان هنرمندان نامدار و گمنام دوران سدوزاییان و محمدزاییان نقش فعال و رهگشا داشته اند.

- معرفی هنرمندان شایسته، جایگاه هنری رسامان نقاشان ورشته های گونه گون هنرها، میتواند و باید به اشتراک دانشمندان و کار آگاهان اکادمی علوم، استادان دانشکده هنرهای دانشگاه کابل کار آگاهان وزارت‌های تحصیلات عالی و مسلکی، آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ، اتحادیه هنرمندان و دیگر نهادهای هنری، ازسوی یک "فرهنگستان" یا شورای فرهنگی با صلاحیتی تقدیر و تعیین شود.

باعرض حرمت

اکادمیسین دستگیر پنجشیری - ایالت واشنگتن - امریکا

قسمت چهارم

نوشته های پروفیسور استاد رسول رهین درباره کتاب
شرح احوال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنگی و
سوانح هنری و فرهنگی داکتر عنایت الله شهرانی

بر گرفته از "فصلنامه آریانای برونمرزی" منتشره سویدن، به صاحب امتیازی ودیبرمسولی پروفیسور رسول رهین، سابق استاد دانشگاه کابل.

شرح احوال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنگی
تألیف دکتور عنایت الله شهرانی
ویراستاری برهان الدین نامق
کابل ۱۳۸۸ ه. ش

پروفیسور غلام محمد میمنگی

کتاب شامل پیشگفتار، هنر نقاشی در افغانستان، شرح احوال و سوانح پروفیسور غلام محمد میمنگی، غلام محمد میمنگی نقاش افسانوی، کیمیاگر، غلام محمد میمنگی نقاش و نویسنده، مقام فرهنگی غلام محمد میمنگی، آثار نقاشی میمنگی، خاطره ها در نامه ها و تصاویر، سرخابیان، آغازگر آموزش رسمی هنر در افغانستان، تألیفات غلام محمد میمنگی و بسای دیگر.

مؤلف کتاب جناب دکتور عنایت الله شهرانی یکی از نخبه مؤلفان و پژوهشگران چند بعدی کشور ما هستند که نه تنها در آسمان هنر و ادبیات افغانستان می درخشند، بلکه در ساحات تاریخی، زبانی، و تذکره نگاری کشور نیز آثار و تألیفات گران ارزش دارند که الحق، این دین ما است که ایشان را چهره برجسته و دانشمند توانا و دارای دید وسیع نظری و فکری معرفی کنیم. جناب شان اخیراً مقالات و نوشته هایی در

باره تیره و تبار شناسی اقوام کشور به نگارش در آورده اند که جایگاه ایشانرا در شناخت اقوام کشور مخصوصاً ترک تباران در سکوی بالای پژوهشی در می آورد. بیجانیت که ایشان را بعد از امیر علی شیر نوایی لقب امیر علی شیردوم بدهیم و مقام و حیثیت شانرا در ترکولوژی شامخ و در خور ستایش جلوه دهیم. ایشان یکی از ستارگان درخشان ادبیات و تاریخ ترکی بوده جایگاه والایی در زمینه بخود اختصاص داده اند که شایسته است به ترک شناسی او، دوستان و همتبارانش مفتخر باشند. جناب شهرانی در تألیف کتاب حاضر که حاصل زحمات و کار چند ساله شان میباشد مؤفق گردیده اند، دورنمای زندگی هنری و ادبی و فرهنگی پروفیسور شهیر کشور شادروان میمنگی را روشن ساخته، اورا چهره آشنا و محبوب قلبهای همه اهل دل و هنرمندان و راهروهای راه او گردانیده در قطار شیفتگان و علاقمندان شادروان میمنگی چندین برابر بیفزایند.

واقعیت اینست که شادروان میمنگی از نخبه چهره های هنری و شایسته های فرهنگی کشور ما میباشد که تا چند دهه پیش رخسار هنری و هویت گران وزن هنری و فرهنگی او محدود به چند نمایشنامه و چند تابلوی او بود که دربارها و دهلیزهای شاهان و امرای برجسته کشور را زینت داده بود. چیزی بیشتر و بهتر درباره شهکارهای هنری و کارکردهای فرهنگی او در مطبوعات کشور دیده نمیشد. اگر نوشته هایی دیده میشد ناقص بود، صرف گوشه پی از زندگی هنری اورا بر ملا میساخت که بدون شک برای شناخت و فهم و درک پروفیسوری چون میمنگی ناکافی بود و نمیشد که با آن نوشته های کم مایه، شخصیتی بمانند میمنگی را

شناخت و به هنر اصیل و گران وزن او پی برد. چنانچه، دکتور شهرانی در بخشی از پیشگفتار خود مینویسند: "کتابیکه اینک بنام شرح حال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنگی دردسترس عزیز خواننده قرار میگیرد در باره فعالیت‌های ارجناک و بلند بالای پروفیسور غلام محمد میمنگی، این گرامی مرد هنر و فرهنگ معاصر افغانستان که بدون شک از اساس گذاران تحول و دگرگونی های هنری در افغانستان میباشد صحبت میشود." مؤلف در این کتاب از اهمیت و مؤقف هنری پروفیسور غلام محمد میمنگی نزد حکام وقت و ارتباط او با محمود طرزی که در افغانستان وی را پدر مطبوعات مینامند نیز ذکر گردیده و همینگونه گفته هایی در خصوص کارهای کیمیاگری استاد بزرگ میمنگی مطالب جالبی آورده است، که برای هر خواننده آموزنده میباشد. مؤلف در جای دیگر کتاب مینویسد که "ازافزونی کارهای گوناگون غلام محمد میمنگی نا گفته پیداست که اگر او نهی بود این نشانهای مختلف مملکت و اینکارهای اساسی هنری و روشنگری مثل تأسیس مکتب صنایع نفیسه کابل، تربیه دهه ها رسام و نقاش درکابل کی میتوانست صورت گیرد. نویسنده چندوکی حکومت را کننده و میگوید که وای بر حال اعضای حکومت قدر ناشناس وقت که پروفیسور در اواخر عمر در نهایت فقر و تنگدستی جان شیرین خویش را ازدست داد و در زندگی شمع هنر افغانستان را روشن کرد و خودش بسان پروانه عاشقانه درین راه سوخت و درگذشت." ایشان در جای دیگر مینویسند: "پروفیسور غلام محمد میمنگی بدون شک پدر هنر نقاشی در افغانستان است و ما از

کرکترهای بزرگ وی در اینجا یاد آور شده به جزئیات نپیچیده ایم زیرا مثنوی هفتاد من کاغذ بکار دارد."

کتاب علاوه از آنکه گویای هنرچند بعدی شادوران غلام محمد میمنگی، کارکردهای فرهنگی و نویسندگی او است، نقش برارنده و سازنده او را در اساسگذاری زیر بنای هنری افغانستان و تربیه صدها هنرمند جوان در هنر نقاشی و رسامی بازگو مینماید. بگفته مؤلف اگر شادوران غلام محمد میمنگی تعلق به یکی از خانواده های سر شناس و دریاری میداشت بی شک او را لقب شهنشاهی هنر و فرهنگ افغانستان میدادند که نداده اند. کتابشناس آریانای برونمرزی در حالیکه چاپ و نشر این مجموعه بس ارزشمند را به مؤلف تبریک میگوید از همه دوستداران هنر و فرهنگ افغانستان میطلبد باین کتاب خودرا آشناسازند. مخصوصاً برهنرمندان جوان است که این کتاب را مطالعه کرده راه و شیوه شادوران غلام محمد میمنگی را تعقیب نمایند تا این چراغ فروزان خاموش نگردد. (موجود در کتابخانه شورای فرهنگی افغانستان، سویدن)

برگرفته از جلد دوم کتاب "کی کیست در فرهنگ برونمرزی افغانستان"
تألیف پروفیسور رسول رهین، استاد دانشگاه کابل

پروفیسور داکتر عنایت الله شهرانی

دانشمند معاصر افغانستان



عنایت الله شهرانی در هشتم قوس ۱۳۲۱ هـ.ش مطابق به یازدهم نوامبر ۱۹۴۲ مسیحی در قریه شهران خاش ولایت بدخشان تولد شده و فرزند دانشمند و روحانی شادروان الحاج آخوند ملا عبادالله خان شهرانی میباشد. اولین مربی عنایت الله شهرانی پدرش بوده که در منطقه خاش یگانه مؤسس مکتب

رسی با همکاری مدیریت معارف بدخشان و اولین معلم افتخاری و بعداً هم یکی از استادان رسی مکتب خاش بود، که شاگردان مستعد بسیاری را به جامعه تقدیم نموده است.

قریه شهران که در مرکز وادی سرسبز و زیبای خاش موقعیت داشته، از اینکه در آن زمان بازاری وجود نداشت، تبادلات بصورت جنس در مقابل جنس صورت می گرفت. اهالی این قریه زیبا عموماً زراعت پیشه بوده و به شکل ابتدایی و ساده حیات بسر می بردند.

عنایت الله شهرانی تحصیلات آغازین را درقریه شهران به مکتب "معروف خاش" تمام نموده، حسن خط را تا به مرحله ابتدایی نزد محمدمجتبی خان و نورمحمد خان آموخت و در قسمت کاردستی و رسامی در میان همه شاگردان مکتب ممتاز بود. وی، متوسطه را در مکتب ابن سینای کابل خواند و حسن خط و املاء را نزد سید محمدایشان الحسینی فرا گرفت. بی‌علاقه بودن شهرانی به درس و کتاب در اوایل تحصیل مانع درخشش و طراویدن استعدادهای هفتۀ وی نشده، و در آوان تحصیل دوره ثانوی در دارالمعلمین کابل از ممتازترین شاگردان بود. استعداد فطری و فکری وی به دیده‌های زیرک و تیزبین محمدیوسف‌خان محسنی نقش بسته و در صنف دوازدهم با همکاری محسنی کتاب رهنمای سوادآموزی را با تصویرهای آن تألیف نمود. در ضمن، کتابهای فزیک که توسط استاد محمداسلم خان تألیف شده بود، توسط شهرانی رسامی شده است.

بعد از سپری نمودن موفقانه امتحانات کانور در سال ۱۹۶۲ میلادی، شامل دانشکده تعلیم و تربیه پوهنتون کابل گردیده که از جمله اولین شاگردان موسسه فوق‌الذکر بود.

زمانی که محصل سال دوم بود، به تشویق استاد عبدالرحمن یوسفی رساله حضرت بیدل را نوشته و در موسسه تعلیم و تربیه چاپ نمود. بسال سوم فاکولته کتاب "رهنمای تدریس هنر" را به همکاری استاد غلام معی الدین شبنم و به سرپرستی عبدالقهار خان مدیر عمومی کورسهای زمستانی تألیف کرده و در همان سال طبع شده و جهت استفاده به کورسهای زمستانی به معلمان توزیع شد. اثر فوق‌الذکر را میتوان اولین

کتاب رهنما و اصول تدریس هنر دانست که بعدها با اضافات و اصلاحات توسط مؤلف، با همکاری وزارت معارف با اعطای جایزه نقدی در مطبوعه فرانکلین به چاپ رسید. استاد شهبانی در فاکولته از استاد عبدالغفور برشنا و دو نفر متخصص امریکای نقاشی را در کنار مضامین دیگر فراگرفته و موفق به اختراع کردن شیوه جدید در دیزان شده و این موضوع در کابل تایمیز با ذکر سوانح و نمونه های کاری وی توسط نور رحیمی و محمد شفیع راحل طبع شده و این ابتکارش در میان هنرمندان داخلی و خارجی از شهرت کاملی برخوردار بود. در سال چهارم فاکولته، دکتر شهبانی، کتاب "هنر در افغانستان" را با همکاری استاد برشنا تألیف کرد. این کتاب اولین تذکره نقاشان افغانستان بوده و تاکنون نیز منحیث مآخذ بااعتبار برای تحقیق هنر بشمار میرود. توانایی و استعداد شهبانی علاقه مسوولین را جلب کرده و وزیر معارف وقت دکتر علی احمد پوپل امر طبع دوباره تذکره نقاشان و کتاب هنر را با صحافت عالی صادر نمود.

در عین زمان، رساله "افکار تربیتی آرتور شوپنهاور" وی مورد تقدیر و تمجید استادانش قرار گرفت و بعد از اتمام دانشگاه کابل به سال ۱۹۶۵ میلادی که قرار بود در کدر علی پوهنتون پذیرفته شود ولی عمداً به اکادمی تربیه معلم فرستاده شده که باعث دلسردی و عدم علاقه شهبانی شده و منجر به استعفایش شد. استعداد شهبانی شفیه گانش را به حرکت درآورده و بنابر دعوت آقای محمد سالم مسعودی به دارالمعلمین کابل منحیث استاد به فعالیت آغاز کرد. همزمان با کار در دارالمعلمین کابل، کورس یکساله مافوق لیسانس را به سرپرستی وزارت معارف بنام "کونسلینگ گایدنس" که مسایل روانشناسی را بحث میکرد،

فراگرفته و پس از اتمام کورس، دو سال را عملاً با محصلین صنوف سیزدهم و چهاردهم در خصوص حل مشکلات روانی موفقانه کارکرد. در موسسه دارالمعلمین داکتر شهرانی به عنوان نقاش و نویسنده ادبیات فولکلوری شهرت داشت. مقالات و مضامین اش در برابر نماینده گان مطبوعات چون: آریانا، ادب و فولکلور مسلسلماً به چاپ رسیده است. نقش و موقف هنری استاد شهرانی توسط استاد علی اصغر بشیر هروی در مجله ژوندون نقد و بررسی شده و به معرفی مفصل استاد مبادرت ورزیده است. استاد شهرانی مدت سه ماه در قاره های آسیا و اروپا سیاحت کرده، در ضمن معرفی آثار نقاشی اش، توانست که عاید مالی از هنر خویش نیز بدست آورد.

در سال ۱۹۷۱ میلادی پیوند زندگی را بست و ثمره این وصلت یک دختر و سه پسر میباشد. این وصلت درهای جدید امکانات را به شهرانی گشود و در سال ۱۹۷۱ میلادی بعد از غالب آمدن در رقابت بین داوطلبان به صفت استاد در فاکولته تعلیم و تربیه پذیرفته شد. وی افتخار مدرسی را درین موسسه تا سال ۱۹۷۵ میلادی بدوش داشت. استاد شهرانی بنا بر دعوت وزیر کلتور و هنر هندوستان افتخار سفر سه هفته ای را به صفت پروفیسور داشته و طی این دیدار از مراکز مشهور هنری هند دیدن به عمل آورد. این سفر وی مصادف با ریاست داکتر محمدحیدرخان بود. در دوره ریاست داکتر عبدالاحمد جاوید وظیفه رسامی و نقاشی نمودن پورتريت های رؤسای پوهنتون به انگشت های هنر آفرین استاد سپرده شد. استاد شهرانی همکار علمی نزدیک و صمیمی با داکتر عبدالاحمد جاوید و استاد عبدالحی حبیبی بود. در سال ۱۹۷۵

میلادی بنابر پیشنهاد ریاست فاکولتة ادبیات و علوم بشری منحيث استاد در آن دانشکده تبدیل شد. در سال ۱۹۷۶ میلادی بعد از سپری نمودن موفقانه امتحان بین استادان پوهنتون جهت تحصیل ماستری با استفاده از "سکالرشپ فولبرایت" عازم ایالات متحده آمریکا گردید. بنا به گفته استاد شهرانی، این موفقیت وی توأم با ممانعت های سیاسی و تبعیضی بوده و چشم دیده های خویش را چنین نقل میکند: "قبل از رفتن به این سکالرشپ از طرف معاون فاکولتة ادبیات بمشکلات روبرو شدم. معاون فاکولته به اداره فولبرایت میگوید که ما میخواهیم تنها از یک قوم گارد مملکت را تربیه نماییم و چون شهرانی منسوب بدان قوم نیست، لذا فاکولته به رفتنش به آمریکا موافق نیست. ولی بعد از سه ماه این مشکل موفوع گردیده، تکت و پاسپورتم داده شده و عازم آمریکا گردیدم."

دکتر شهرانی بعد از اتمام دوره ماستری در سال ۱۹۷۸ میلادی دوباره به وطن برگشت. حین تحصیل در دوره ماستری یک تعداد کورسهای دوره دکتری را نیز به پایان رسانید. بعد از بازگشت، دوباره بحیث استاد در فاکولتة ادبیات و علوم بشری شروع به کار نموده و کورسهای فولکلور را به محصلان خارجی فاکولتة ادبیات و مضامین هنری را به شعبات نقاشی و هیکل تراشی تدریس نمود.

در سال ۱۹۷۹ میلادی منحيث آمر دیپارتمنت هنرهای زیبای فاکولتة ادبیات مقرر و به فعالیت های انکشاف هنرهای زیبا دست یازید. دکتر شهرانی، در دوره آمریت خود به اصلاحات اساسی دیپارتمنت هنرهای زیبای فاکولتة ادبیات مبادرت ورزید و به توسعه آن پرداخت. ایجاد شعبات جداگانه نقاشی و هیکل تراشی در سال ۱۹۸۰ میلادی، شعبات

موسیقی، تیاتر، سینماتوگرافی، دیزاین و گرافیک، تعلیم و تربیه هنر و تاریخ هنر از جمله خدمات فراموش ناشدنی داکتر شهبانی میباشد. تأسیس شعبات فوق الذکر به مثابه گام نخست تعلیم هنر به سویه دانشگاه و یا اکادمیک بشمار میرفت. گنجانیدن شعبات فوق در چوکات فاکولته ادبیات ناممکن بود و بنا به موافقه ریاست پوهنتون، آمریت دیپارتمنت هنرهای زیبا مستقلاً ایجاد شده و داکتر شهبانی منحیث اولین آمر و موسس این دیپارتمنت مقرر گردید. در عین وقت داکتر شهبانی ریاست افتخاری بخش نقاشان اتحادیه هنرمندان افغانستان را نیز به سمت خویش داشت.

بعد از شهادت دو برادر و محبوس شدن برادرهایش در اوایل سال ۱۹۸۰ میلادی و نسبت وضع ناهنجار وطن از طرف دستگاه خودفروخته رژیم کابل و روبرو شدن با مشکلات سیاسی که با خطرات جانی همراه بود، داکتر عنایت الله شهبانی را مجبور به ترک وطن نمود. در سال ۱۹۸۱ میلادی به پاکستان مهاجرت کرد و تا سال ۱۹۸۲ میلادی در دانشگاه پشاور منحیث استاد در بخش مطالعات آسیای مرکزی و فاکولته جغرافیا ایفای وظیفه نمود. در زمان هجرت درد مادروطن به قلبش حکم میراند و به فعالیت های سیاسی خویش برضد فعالیت های منفی روسها نیز ادامه داد. نیرو و انرژی استاد در راه تعلیم و تربیه مادروطن همیشه نیرومند بوده و در لحظات دشوار چاره جهت تدریس اطفال و نوجوانان میجست. یکی از فعالیت های وی درین راستا نیز تهیه و ترتیب نمودن پروگرامهای مضامین و نصاب تعلیمی اطفال مهاجر افغان از صنف اول تا دوازده به سرپرستی احمدشاه احمدزی بود.

در نیمه سال ۱۹۸۲ میلادی با فامیل خود به ایالات متحده آمریکا در شهر توسان ایالت اریزونا منحیث پناهنده سکونت اختیار نموده و در سال ۱۹۸۳ میلادی شامل یونیورسیتی (دانشگاه) اریزونا گردید. دکتر شهرانی، در سال ۱۹۸۶ میلادی شهادتنامه دکتورا (PhD) را در مسلك تعلیم و تربیه بدست آورد.

از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ میلادی همکاری های قلمی را با مجله «نامه ی خراسان» و نشرات دیگر آغاز کرده و در دانشگاه اریزونا بمدت دوسال منحیث استاد زبان های آسیای مرکزی ایفای وظیفه نمود. در ایام اقامت در شهرتوسان ایالت اریزونا در تلویزیون تعلیمی مشترک بین عربستان سعودی و معارف آن شهر منحیث طراح و مشاور کارکرد.

امید برگشت شهرانی به وطن در سال ۱۹۹۰ میلادی با شرایط ناسازگار کشور از طریق پاکستان به تعلیق افتاده و مدت پنج سال در اسلام آباد پاکستان متوطن گردید. در طی پنج سال اقامت دست به فعالیت های سیاسی و هنری زده، علاوه بر همکاری با سازمانهای مجاهدین افغانستان، منحیث عضو رابطه عالم اسلامی نیز پذیرفته شده و وظیفه مستشاریت تعلیمی را در آن سازمان بعهده داشت. سفرهای فرهنگی، همکاری و دینی به ممالک مستقل جدید آسیای مرکزی (تورکستان) از جمله پیامد های عضویت در سازمان رابطه عالم اسلامی بود. در سال ۱۹۹۲ میلادی بنابر دعوت موسسه «پیوند» تاجیکستان به دوشنبه سفر نموده، عضویت و معاونیت موسسه

بزرگ «پیوند» را به دست آورده و با داکتر عاصمی رئیس عمومی «پیوند» همکاری های علمی و فرهنگی نمود.

همزمان با مستشاریت در رابطه عالم اسلامی، بنابر دعوت دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد به حیث استاد در آن دانشگاه ایفای وظیفه کرد و در سال ۱۹۹۱ میلادی منحیث پروفیسور و رئیس بخش مطالعات آسیای مرکزی در آن دانشگاه مقرر گردید و این مسوولیت را تا اخیر سال ۱۹۹۴ میلادی به عهده داشت.

در دانشگاه با تعدادی از متخصصین آسیای مرکزی در قسمت احیای مسایل و موضوعات فرهنگی، تاریخی و دینی (قبل از استیلائی مناطق مذکور توسط روسها) کار کرده و زمینه آوردن تعداد زیاد شاگردان جهت آموزش از آسیای مرکزی در دانشگاه را فراهم نمود. در سال ۱۹۹۵ میلادی با فامیل خویش جهت تحصیلات عالی فرزندانش به امریکا برگشت.

در سال ۱۹۹۹ میلادی مجله «پیمان» را در نیویارک تاسیس نموده و بعد از مدتی در عین سال مجله «بلخ» را در کانادا اساس گذاشت.

علاوه بر این، بتاريخ ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۰ میلادی بخاطر احیاء فرهنگ افغانستان و یکجا کردن هنرمندان آواره افغانستان از گوشه و کنار جهان، «اتحادیه سرتاسری هنرمندان افغانستان» را تاسیس و همزمان با آن از طرف اکثریت قاطع اعضای مجلس موسسین به حیث رئیس عمومی اتحادیه مذکور انتخاب گردید.

در سال های اخیر قبل از تدوین قانون اساسی، مقاله معروف «نظام سیاسی افغانستان» را نوشت که اکثریت مردم افغانستان آنرا

استقبال نمودند و تعدادی از تفوق طلبان و تبعیض پسندان واکنش خویش را با تخریبات و تبلیغات نشان دادند. در مقاله مذکور دکتر شهرانی بار اول بصراحت نظام سیاسی افغانستان را بشکل فدرالی طراحی و نقشه افغانستان را بدو شکل سه ایالتی و هفت ایالتی تقسیم نمود. سفرهای را نیز به کابل و ولایات شمال جهت تقویة مفکوره فدرالی انجام داده و سیمینارهای را سازمان داد.

در سال ۲۰۰۳ میلادی به پیشنهاد وزرای معارف و تحصیلات عالی و تأیید رییس جمهور حامد کرزی، دکتر عنایت الله شهرانی با هجده متخصصین تعلیم و تربیه به عضویت کمیته مستقل تعلیمی یونسکو معرفی شده و در شهرپاریس با متخصصین دیگر در باره تعیین پروگرامهای تحصیلات عالی و معارف همکاری نمود.

دکتر عنایت الله شهرانی تاکنون مصروف تالیفات و تحقیقات در رشته های هنری، تاریخی، ادبی و تعلیمی در شهرک بلومینگتن اندیانای ایالات متحده امریکا بوده و در دهه اخیر به اینطرف یکی از پرکارترین شخصیت ها در انکشاف و احیای فرهنگ افغانستان بشمار میرود. دکتر شهرانی همکار قلمی بیشتر از هفده جریده و مجله بوده و مقالاتش بطور مسلسل بطبع رسیده است. کتابها و آثار وی در هندوستان، پاکستان، ایران، سویدن و کانادا به چاپ رسیده است.

دکتر عنایت الله شهرانی در ممالک مختلف سفرها نموده و شرف زیارت یثرب و بطحا به وی نصیب شده است. استاد شهرانی به لسانهای دری، تورکی و لهجات آن، انگلیسی و پشتو مسلط بوده و نویسنده چیره دست در لسان های ذکر شده میباشند.

در زیر فهرستی از مسوولیت ها، وظایف و تالیفات استاد شهبانی را
به شما می‌شماریم:

وظایف در داخل کشور:

- ❖ معلم به دارالمعلمین کابل ؛
- ❖ سرمعلم راهنمایی «کونسلینگ گایدنس» به صنوف سیزدهم
و چهاردهم دارالمعلمین کابل ؛
- ❖ مشاور مکاتب ابتدایی در مضامین هنر از طریق مدیریت
دارالمعلمین کابل ؛
- ❖ استاد فاکولتة تعلیم و تربیه ؛
- ❖ استاد فاکولتة ادبیات ؛
- ❖ استاد فاکولتة هنرهای زیبا ؛
- ❖ آمردیپارتمنت هنرهای زیبا در فاکولتة ادبیات ؛
- ❖ آمرعمومی فاکولتة هنرهای زیبا ؛
- ❖ همکار هنری با ریاست تألیف و ترجمه وزارت معارف ؛
- ❖ نقاش در موسسة تعلیم و تربیه پوهنتون کابل ؛
- ❖ رئیس اتحادیه هنرمندان در بخش (نقاشان، خطاطان و هیکل
تراشان) کابل ؛

وظایف به خارج کشور:

- ❖ استاد در یونیورسیتی پشاور، مرکز تحقیقاتی آسیای مرکزی و فاکولتة جغرافیه ۱۹۸۱-۱۹۸۲؛
- ❖ طراح تلویزیون تعلیمی در اریزونا به ارتباط تلویزیون عربستان ۱۹۸۲-۱۹۸۶؛
- ❖ استاد زبان های آسیای مرکزی (تورکی) یونیورسیتی اریزونا ۱۹۸۸-۱۹۹۰؛
- ❖ مستشار تعلیمی در مرکز رابطه عالم اسلامی در اسلام آباد ۱۹۹۰-۱۹۹۱؛
- ❖ رئیس بخش تحقیقات آسیای مرکزی و پروفیسوردر دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد ۱۹۹۱-۱۹۹۵؛
- ❖ رئیس عمومی اتحادیه سرتاسری هنرمندان افغانستان ۲۰۰۰-۲۰۰۳؛
- ❖ باری دوم بحیث رئیس انتخابی «بنیاد فرهنگستان نگاه» در ۲۰۱۳ آغاز بکار نمود؛

سمینارها:

- ❖ عضو سیمینار صلح در افغانستان واقع در کویتة پاکستان ۱۹۹۴؛
- ❖ عضو سیمینار در خصوص حصول استقلال افغانستان، قبرس؛

- ❖ عضو کمیته مستقل تعلیمی یونسکو و عضو سیمینار پروگرام سازی تعلیمات در افغانستان پاریس ؛
- ❖ عضو سیمینار بهبود تعلیمات عالی در افغانستان، دانشگاه اندیانا، سال ۲۰۰۱ میلادی ؛
- ❖ عضو سیمینار ساختار سیاسی افغانستان، پرنستون یونیورسیتی، نیوجرسی، ۲۰۰۲ میلادی ؛
- ❖ عضو سیمینار نظام سیاسی آینده افغانستان، مزار شریف، ۲۰۰۳ میلادی؛
- ❖ عضو سیمینار انکشاف زبان های تورکی در افغانستان، مزار شریف، ۲۰۰۴ م؛
- ❖ عضو ده ها سیمینار و کانفرانسهای دیگر در داخل و خارج از وطن ؛

تألیفات:

- ❖ هنر در افغانستان، چاپ در مطبعة معارف، ۱۳۵۰ ه.ش ؛
- ❖ اصول تدریس هنر، چاپ در مطبعة معارف، ۱۳۵۰ ه.ش ؛
- ❖ امثال و حکم (فارسی)، چاپ در مطبعة دولتی کابل، ۱۳۵۴ ه.ش ؛
- ❖ امثال او حکم (پشتو)، چاپ در مطبعة دولتی کابل، ۱۳۵۴ ه.ش - چاپ دوم بنام پشتو متلونه، چاپ در کابل؛
- ❖ لغات مستعمل در لهجه دری بدخشان (فرهنگ تاجیکی)، چاپ مسلسل در مجله «ادب» - چاپ در پشاور منحیث کتاب ؛

- ❖ فلک های کهسار، چاپ در مجله آریانا، کابل، ۱۳۵۲ ه. ش؛
- ❖ گور اوغلی (داستان های حماسی تورکستان)، از طریق مجله فولکلور چاپ شده، کابل؛
- ❖ دوبیتی های تاجیکی، چاپ در مرکز فرهنگی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۳ ه. ش - چاپ در کابل؛
- ❖ تعلیم و تربیه هنردرافغانستان (رساله ماستری بزبان انگلیسی)، یونیورستی اریزونا، ۱۹۷۸ میلادی؛
- ❖ ارزیابی سیستم امتحانات هنر در مکاتب عالی در غرب ایالات متحده امریکا (رساله دکتورا) یونیورستی اریزونا، ۱۹۸۶ میلادی (بزبان انگلیسی)؛
- ❖ تاریخچه مختصر هنر در افغانستان، رساله کدر علمی، یونیورستی کابل، ۱۹۷۹ میلادی؛
- ❖ بزم تاجیک (ره آورد سفر تاجیکستان) ۱۹۹۳ میلادی؛
- ❖ آسیای مرکزی (درباره عمومیات آسیای مرکزی) چاپ در جریده کاروان از ۱۹۹۵ - ۱۹۹۸ میلادی؛
- ❖ استاد عظیم شغنانی، کانادا، ۱۹۹۷ میلادی؛
- ❖ قهرمان ماورالنهر ابراهیم بیک لقی، چاپ به سلسله مجله «پیمان»، نیویارک؛
- ❖ یادی از نقاشان افغانستان، چاپ در جریده کاروان؛
- ❖ ضرب المثل های دری افغانستان، چاپ در کانادا، سویدن و ایران (تهران ۱۳۸۲ ه. ش)؛
- ❖ مرزهای همزیستی زبانها، نیویارک، ۱۹۹۶ میلادی؛

- ❖ تاریخچه فاکولته تعلیم و تربیه چاپ در کابل؛
- ❖ خاطرات من از تأسیس فاکولته هنرهای زیبا - چاپ اول و دوم، کابل ۲۰۱۳ میلادی؛
- ❖ شگوفانی هنر در عهد تیموریان هرات - چاپ کابل ۲۰۱۳ میلادی؛
- ❖ صورتگران معاصر افغانستان در دو جلد، چاپ در کابل، ۲۰۱۳ میلادی؛
- ❖ بیگم های بلند آوازه در حال چاپ؛
- ❖ عایشه درانی، چاپ در کابل؛
- ❖ زیب النساء مخفی، چاپ در کابل؛
- ❖ شاه بیگم مخفی بدخشی در حال چاپ؛
- ❖ افسانه ها آماده چاپ؛
- ❖ محمود سامی پاچا، مشاور نظامی شاه امان الله، چاپ در کابل و جرمنی؛
- ❖ مقدمه و ادیت تیاتردر افغانستان ماریا دارو؛
- ❖ همکاری در سلسله کتابهای کی کیست در فرهنگ برون مرزی، تألیف پروفیسور رهین سویدن؛
- ❖ کابلستان، نا تکمیل؛
- ❖ تورکان پارسی گوی چاپ در سایت ها؛
- ❖ رهنمای تدریس آرت برای معلمین مکاتب ثانوی و دارالمعلمین ها چاپ در موسسه تعلیم و تربیه ۱۳۴۴ ه.ش؛
- ❖ خطاطان افغانستان آماده چاپ ؛
- ❖ تاریخچه اقوام در افغانستان، چاپ چهارم در کابل؛

- ❖ شجره شهباریان تورک؛
- ❖ حنجره هند؛
- ❖ افسانه شگوفه بهار، (ترتیب و ادیت)، نیویارک، ۱۹۹۷ میلادی؛
- ❖ شرح احوال و آثار استاد عبدالحي حبيبي، چاپ از طريق مجله «پيمان»؛
- ❖ مخفی بدخشانی (تعلیق و تحشیه) چاپ دهلی، ۲۰۰۱ میلادی؛
- ❖ گلبدن نامه (همایون نامه)، مقدمه و ادیت، پیمان، نیویارک (جلد اول تا هفتم ۱۹۹۹ - ۲۰۰۰ میلادی)؛
- ❖ شجره اتراک، چاپ در جریده جهش، جرمنی (ناتکمیل)؛
- ❖ بابرنامه، چاپ بمبی، در حال تحشیه، تعلیق و مقدمه، از طریق مجله «پیمان»؛
- ❖ قانون طرب، با اضافات و تحشیه و تعلیق، چاپ در سویدن، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ یمگان (مزار ناصر خسرو)، تعلیق و تحشیه، یونیورستی دهلی، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ ظهیرالدین محمد بابرشاه، مقدمه، تحشیه و تعلیق، چاپ در «پیمان»، نیویارک، ۲۰۰۰ میلادی (ناتکمیل)؛
- ❖ افکارشاعر، مقدمه و تعلیقات؛
- ❖ پیرخرابات (استاد قاسم افغان) چاپ در پشاور، ۱۳۸۲ ه.ش؛

- ❖ فیض قدس، (بکوشش)؛
- ❖ حنجره هند (بحثی پیرامون هنر و شخصیت ستاره درخشان آسمان موسیقی شرق لتامنگیشکر) ۲۰۰۳ میلادی، چاپ در کابل بنام لتامنگیشکر ملکه قلب ها ۲۰۱۳ میلادی؛
- ❖ مقدمه و ادیت در کتاب «زندگینامه استاد عبدالرشید لطیفی» کانادا، ۱۹۹۸ میلادی؛

تالیفات در حال طبع و یا تکمیل:

- ❖ مشاهیر بدخشان (چهره های برجسته بدخشان)، آماده چاپ؛
- ❖ شاه محمد ولیخان دروازی، چاپ در پشاور؛
- ❖ موسیقی در افغانستان، چاپ در کابل در دو جلد بنام ساز و آواز در افغانستان؛
- ❖ دیوان شاه غریب میرزا غریبی، مقدمه، تصحیح و تحشیه، در حال تکمیل؛
- ❖ دیوان فارسی مولانا هلالی چغتایی، مقدمه، تصحیح و تحشیه با همکاری داکتر محمد اسمعیل سلطانی، آماده چاپ؛
- ❖ آرامگاه بابر، تحشیه و تعلیق، در حال تکمیل؛
- ❖ سیر هنر در افغانستان، آماده چاپ؛
- ❖ غزنویان، در حال تکمیل؛
- ❖ شرح احوال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنگی، چاپ در پشاور، ۲۰۰۶ میلادی، چاپ در کابل ۲۰۱۰ میلادی؛

مقالات:

- ❖ امیرخسرو بلخی ثم الدهلوی، «کاروان»، «امت» در ایران، «آریانای برون مرزی» سویدن؛
- ❖ سخنسرایان زبان فارسی در هند در مثال بیدل «میزان» شماره ۵۵، دهلی ۱۹۹۹، «لمر» شماره ۲۲ کانادا، ۱۳۸۰ ه. ش، «کاروان» شماره ۷۰ و چند شماره بعد از آن حکیم ناصرخسرو از دیدگاه بدخشانیان، ضم کتاب یمگان، دهلی، دانشگاه دهلی ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ تاریخچه مختصر فرقه اسمعیلیه، ضم کتاب «عدیم شغنانی»، کانادا، ۱۹۹۷ میلادی؛
- ❖ سامانیان (برگی از تاریخ قلب آسیا)، «زرنگار»، شماره ۶۹ کانادا، ۲۰۰۰ م، «آریانا برون مرزی»، شماره سوم، سویدن، ۱۹۹۹ میلادی؛
- ❖ سردار بیدل شناس و عارف وارسته عبدالعزیز حیرت، «درد دل افغان»، کالیفورنیا؛
- ❖ نگاهی به افکار شاعر و زندگینامه استاد صلاح الدین سلجوقی، «نوید» شماره های ۲، ۳، ۴ و ۵، «جهش» جرمنی، «میزان» دهلی، ضمن کتاب پژوهشهای ایران‌شناسی، جلد ۱۴ شماره ۸۹، تهران ۲۰۰۴ میلادی؛
- ❖ کابل در پرده های تاریخ، «کاروان» شماره ۲۷، کالیفورنیا؛
- ❖ غزنی و سنایی، «درد دل افغان»، کالیفورنیا؛

- ❖ دری یا زبان دریاریان، «آریانا برون مرزی» سویدن ۲۰۰۵ میلادی، «مردم افغانستان» کالیفورنیا ۲۰۰۵ میلادی؛
- ❖ نظام سیاسی آینده افغانستان، «امید»، ورجینیا، درکتاب قانون اساسی میثاق ملی، لندن ۲۰۰۳ میلادی؛
- ❖ نقاش افسانوی غلام محمد میمنگی، «گلبرگ» شماره پنج، استرالیا ۲۰۰۵ میلادی؛
- ❖ پروفیسور غلام محمد میمنگی، «پیمان»، شماره های ۳ و ۴، نیویارک، ۱۹۹۹ میلادی؛
- ❖ غلام محمد میمنگی، «ژوندن» کابل، ۱۹۷۵ میلادی، امید، ورجینیا؛
- ❖ تقویم سال دوهزارویک و یادی از استاد عبدالغفور برشنا، «امید» شماره ۴۵۷
- ❖ ستاره درخشان هنردر افغانستان استاد غوث الدین، «امید» شماره ۱۵۷
- ❖ استاد غلام محی الدین شینم غزنوی، «کیوان» شماره ۵۴، کالیفورنیا، ۲۰۰۲ میلادی؛
- ❖ استاد محمد سعید مشعل، مشعلدار هنرنقاشی به رحمت حق پیوست، «امید» شماره های ۳۰۵ و ۳۰۸ ورجینیا، ۱۹۹۸ میلادی؛
- ❖ نگارستان هرات، استاد محمد سعید مشعل احیا کننده مکتب بهزاد، «امید» شماره های ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۹ و ۱۸۱، همچنان ضم کتاب خشک وتر، کانادا، ۱۹۹۸ میلادی؛

- ❖ در رثای استاد محمد سعید مشعل علم بردار هنرنیایکان وطن، «کاروان» شماره ۵۴ و «درد دل افغان»؛
- ❖ طراح و مبتکر بزرگ وطن استاد محمد اسرائیل رویا، «لمر» شماره نهم، کانادا و «درد دل افغان»؛
- ❖ میناتورست زبردست وطن محمد همایون اعتمادی، «امید» شماره ۲۰۷، ورجینیا؛
- ❖ یادی از نقاش وطن الحاج قربان علی عزیزی، «امید» شماره ۱۵۶، کالیفورنیا؛
- ❖ استاد فرخ افندی، «کاروان» شماره ۴۹، کالیفورنیا؛
- ❖ استاد عبدالغفور برشنا، «ژوندون»، کابل، ۱۹۷۴ میلادی و «کاروان» کالیفورنیا؛
- ❖ استاد خیرمحمد عطایی، «ژوندون»، کابل، ۱۹۷۴ میلادی و «کاروان» کالیفورنیا؛
- ❖ استاد خیرمحمد یاری، «ژوندون»، کابل، ۱۹۷۴ میلادی و «کاروان» کالیفورنیا؛
- ❖ سیمون شکورولی، چاپ در مجله Afghanistan بزبان انگلیسی، کابل ۱۹۷۴ میلادی و «کاروان» شماره ۵۴؛
- ❖ تاریخ مختصر معارف در افغانستان، «کیوان»، کالیفورنیا، شماره های ۶۷ - ۷۵، «عرفان» شماره های ۱ - ۳، کابل، ۱۳۸۳ ه.ش، «آریانا برون مرزی» سویدن، ۲۰۰۳ میلادی؛

- ❖ محمود غزنوی ازنگاه سخنوران و صاحب‌دلان، «آریانا برون مرزی»، شماره ۴، سویدن ۲۰۰۱ میلادی، «امت» مشهد، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ دو دیوان ارزشمند از هاشم زمانی، «افغان اولس»، کابل ۲۰۰۴ میلادی، شماره های ۲۲ و ...؛
- ❖ صفحاتی از حیات علمی پروفیسور داکتر احمد جاوید، «امید»، ورجینیا ۲۰۰۲ میلادی؛
- ❖ یادنامه استاد عبدالاحمد جاوید، بخاطر بزرگداشت مقام علمی استاد جاوید، کانفرانس هامبورگ، ۲۰۰۵ میلادی؛
- ❖ نگاهی به سیمای آریین پور و تاریخ منظوم او، «تاریخ منظوم» امریکا ۱۳۷۶ ه.ش؛
- ❖ پورغنی صائب شناس بزرگ، دیوان پورغنی، چاپ جرمنی، ۲۰۰۵ میلادی؛
- ❖ غنی نسواری، «لمر» کابل، ۱۳۴۶ ه.ش، «درد دل افغان» کالیفورنیا،
- ❖ «لمر» شماره ۱۳ عقرب ۱۳۷۹ ه.ش، کانادا؛
- ❖ آواز خوان فراموش شده خانم آزاده، «امید» شماره ۳۷۲؛
- ❖ نظریات دو هنرمند وطن که لفظاً افتراق و معنأ اختلاط دارند. «کاروان» شماره های ۳۴ - ۳۶؛
- ❖ ملکه قلبها (لتا منگیشکر)، «آریانا برون مرزی» شماره های ۳ و ۴، سویدن، ۲۰۰۳ میلادی؛

- ❖ خرابات زاده ای که شهنشاه غزلخوانی بود (استاد رحیم بخش)، «امید»، گلبک شماره اول، استرالیا ؛
- ❖ درسوگ ستاره هنرقافله سالاروشاهمرد بز میان ابراهیم نسیم، «امید» شماره ۴۱ و «درد دل افغان» ؛
- ❖ عبدالوهاب مددی نویسنده اول موسیقی در افغانستان، «امید» شماره ۵۴۶ و «گلبک» شماره دوم، استرالیا، ۲۰۰۴ میلادی ؛
- ❖ سجاده نشین خانقاه سخی احمد خاتم، «گلبک»، شماره ۴ ، استرالیا، ۱۳۸۳ ه.ش، «امید» ورجینیا ؛
- ❖ حظیره درست است، «درد دل افغان» شماره ۷ و ۱۱، سال سوم کالیفورنیا، ۲۰۰۱ میلادی ؛
- ❖ خاطراتی از صحبت با مرحوم محمد داود خان اولین رئیس جمهور افغانستان، «امید» شماره های ۱۹۲ - ۱۹۳ و ... ؛
- ❖ امیر تیمور جهانگشا و جهان فرهنگ، «پیمان»، بلخ ؛
- ❖ وجه تسمیه قزلباش، «نور»، نیویارک ؛
- ❖ خاطرات و سرگذشت من در آفاق و انفس، «کاروان»، کالیفورنیا ؛
- ❖ گلشن زیبای اشعار یادپوان استاد قربت، «امید» شماره ۳۹۳، «زرنگار» شماره ۶۵ کانادا ؛
- ❖ یادی از میرهای بدخشان، «امید» شماره های ۳۳۵ - ۳۴۱، «جهش» در جرمنی و کتاب «مخفی» ؛

- ❖ نظریه در باره خاطر ظفر حسن آیبک، ضم کتاب «افغانستان از سلطنت امیرحبیب الله...» ترجمه فاضل، پشاور، ۲۰۰۳ میلادی؛
- ❖ یادی از ملا عارف چیاپی، «امید» شماره های ۲۸۰ - ۲۸۱ و ضم کتاب «مخفی» هندوستان ۱۳۸۰ ه.ش؛
- ❖ گرد هم آیی های روم و تهران و ارزیابی های سازنده برای استحکام همبستگی و تفاهم همگانی ملت افغانستان، «کاروان» شماره ۶۷، «امید»؛
- ❖ عراق آئینه تمدن اسلام، «امید» شماره ۵۷۰؛
- ❖ کلمه هرات و کتاب تاریخنامه هرات، «امید» شماره ۲۵۴ و....، در کتاب «خشک وتر» چاپ در جریده «نوید» شماره های نهم و دهم، کالیفورنیا، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ هر که امین نیست ایمان ندارد، دفاع از کتاب «مزارات هرات»، «امید» شماره ۴۸۳؛
- ❖ خطاطان و خوشنویسان هرات، اثر عبدالعلی شایق، «نوید» شماره های اول تا پنجم سال دوم، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ میلادی؛
- ❖ یک نظرگذرا بر کتاب شناسنامه چیاپ و چیا بیان، شعله در یادنامه های فرهنگیان کابل، ۱۳۸۴ ه.ش؛
- ❖ پرتو بر زوایای زندگی وافکار جمشید شعله، در سیر دبستان بدخشان، کابل ۱۳۸۳ ه.ش؛

- ❖ پیری و مُریدی، دیوان حاجی غلام سرور دهقان، با اهتمام حاجی یوسف نظری، «امید» مقدمه بر چاپ سوم «مزرعه دهقان»؛
- ❖ Guroghly, South Asian Folklore An Encyclopedia, New York ۲۰۰۳ بزبان انگلیسی؛
- ❖ پیرامون سودا های هیجستان، «کاروان» شماره های ۵۷، ۵۸ و ...
- ❖ سخنی چند پیرامون کتاب «سفینه موسیقی»، «کاروان» شماره های ۴۷ - ۴۹؛
- ❖ درامه تبارتبر، «امید» شماره ۲۷۲ (دفاعیه)؛
- ❖ پیشگفتار در کتاب «زندگینامه استاد عبدالرشید لطیفی»، تالیف پروفیسور عبدالواسع لطیفی، کانادا، ۱۹۹۸ میلادی؛
- ❖ نگاهی به تاریخ بیهقی، «نوید» شماره های ۶ - ۸، کالیفورنیا، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ شهید محمد اسمعیل مبلغ، «امید» شماره ۲۴۲؛
- ❖ مبارزه، فرهنگ و سرزمین آسیای مرکزی، «کاروان» شماره های ۳۳ - ۳۵ و، کالیفورنیا؛
- ❖ تاریخچه مختصر هنر در افغانستان و کارنامه های استاد بهزاد، «کاروان» شماره های ۲۲ - ۲۴؛
- ❖ فردوسی و محمود از دیدگاه استاد خلیلی، «افغانستان» شماره های ۶ - ۷، کالیفورنیا، ۲۰۰۰ میلادی؛

- ❖ روان شاد استاد نهضت، «لمر» شماره ۱۳، کانادا، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ یاسخن سنجیده گو ای مرد دانا یا خموش، (دفاعیه)، «امید» شماره ۲۵۹؛
- ❖ چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی؟، (دفاعیه)، «امید» شماره ۲۵۱؛
- ❖ شاه محمد ولی خان از احفاد شاهان بدخشان ووکیل سلطنت افغانستان چگونه بدار آویخته شد، «امید»، شماره های ۲۱۲ - ۲۱۴ و ...؛
- ❖ یادی از جشن های نوروزی در وطن عزیز ما افغانستان، «لمر» شماره ۱۸، کانادا، ۲۰۰۱ میلادی؛
- ❖ باغ بابرو جشن های نوروزی وشکوه کابلستان، «پیمان» شماره دوم، نیویارک، ۱۹۹۹ میلادی، «امید»؛
- ❖ خشک وتر، اثر مرحوم استاد محمد سعید مشعل (تبصره)، «امید»، شماره ۳۱۰؛
- ❖ فرهنگ مردم و خود را دریابید (درباره استاد اخی)، «امید» شماره های ۲۹۹ و ...؛
- ❖ بیاد بزرگمرد افغانستان شاد روان استاد محمد ابراهیم عفیفی، «امید» شماره های ۳۶۴ و ۳۶۶؛
- ❖ هنردر افغانستان، نقاش مخترع، «کاروان»، شماره های ۷۱ و ۷۲ و ...؛

- ❖ خواجه لر طریقه سی، طبع در اوزبیکستان، ۲۰۰۳ میلادی،
(بزبان تورکی)؛
- ❖ سخنی چند پیرامون کتاب «زندانی خاطرات» تالیف هاشم
زمانی، «امید»، ورجینیا؛
- ❖ هزاره کیست؟، «آریانا برون مرزی»، شماره ۳ و ۴، سویدن،
۲۰۰۳ میلادی؛
- ❖ نمونه ای از تاریخ نگاری علمی (درباره کتاب پروفیسور
هاشمی)، «آریانا برون مرزی»، شماره دوم، سویدن، ۲۰۰۴
میلادی؛
- ❖ زنان نامدار افغانستان و یادی از ملالی، «درد دل افغان»،
کالیفورنیا؛
- ❖ تاریخچه مختصر خرقة مطهره حضرت سیدالمرسلین محمد
(ص)، «لمر» شماره نهم، کانادا، ۲۰۰۱ میلادی، «امید»
شماره ۴۲۱؛
- ❖ شاه عبدالله یمگی بدخشی، «فردا» شماره ۱۳، سویدن،
۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ فدرالیزم در افغانستان؛
- ❖ قیام مجاهدین تورکستان و یاد نامه ای از ملا ابراهیم بیک
لقی، پیمان، شماره های ۵-۷، نیویارک، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ گوراوغلی، فولکلور، شماره دوم و سوم، کابل، ۱۳۵۳ ش؛
- ❖ داستان های گور اوغلی، «نقد و آرمان»، جلد سوم،
کالیفورنیا، ۱۹۹۶ میلادی؛

- ❖ به اداره نقد و آرمان، (اعتراضیه)، «نقد و آرمان» شماره ۴ و ۵، کالیفورنیا، ۱۹۹۷ میلادی؛
- ❖ آرمان ما، «پیمان»، شماره اول، نیویارک، ۱۹۹۹ میلادی؛
- ❖ شرح احوال امیرناصرالدین سبکتگین، «پیمان»، شماره اول، ۱۹۹۹ میلادی، نیویارک؛
- ❖ همایون نامه تصنیف گلبدن بیگم بنت بابرشاه، «پیمان» شماره اول، نیویارک، ۱۹۹۹ میلادی؛
- ❖ شاه غریب میرزا غریبی، «پیمان» جلد پنجم و هفتم، نیویارک، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ ظهیرالدین محمد بابرشاه، «پیمان» جلد پنجم و هفتم، نیویارک، ۲۰۰۰ میلادی؛
- ❖ سلطان محمود غزنوی، «پیمان» جلد سوم و چهارم، نیویارک ۱۹۹۹ میلادی؛
- ❖ امیرحسینی سادات غوری^(ج) وفات ۷۱۸ ق؛
- ❖ یادنامه شاعر شوریده حال وطن صوفی عشقری، «لمر» کانادا، «درد دل افغان» کالیفورنیا؛
- ❖ دورنمای اصلاحات آینده معارف افغانستان؛
- ❖ نوروز خوش آئین (تبصره) مؤلف استاد جاوید، «کاروان»، شماره ۶۲؛
- ❖ محمد کریم کابلی عارف وارسته وطن یا شاعری از کابلستان، «کاروان» شماره ۶۹، کالیفورنیا، سال ۱۳۷۹ ه. ش؛

- ❖ خاطره ای از قتل محمد نادرشاه خان، «کاروان»، شماره ۷۴، کالیفورنیا، ۱۳۷۹ ش؛
- ❖ بجواب تقاضای «کاروان» به کمک تاجیکستان بشتابیم، «کاروان»، شماره ۲۸ و چندین شماره بعد آن؛
- ❖ شاه مامه و سلسال، «آریانا برون مرزی»، شماره بهاریه، سویدن، ۱۳۸۴ش؛
- ❖ چند کلمه در باره دیوان شگوفه بهار و نوشته های مقدمه نویس آن، «افسانه شگوفه بهار»، نیویارک، ۱۹۹۷ میلادی؛
- ❖ بزکشی، فولکلور، کابل؛
- ❖ تشکیل وزارت فرهنگ و هنر در حکومت محسوس است، «کیوان»، کالیفورنیا، ۲۰۰۱ میلادی؛
- ❖ کابل دختر، (داستان)؛
- ❖ مغول دختر و عرب بچه، (داستان)؛
- ❖ بی بی ماهروی کابلی، (داستان)؛
- ❖ سلطان رضیه
- ❖ میله های باستانی گل سرخ در بلخ (مجله بلخ در کانادا)
- ❖ شاه بیگم مخفی بدخشی (جریده امید)
- ❖ تاریخچه صنایع نفیسه در افغانستان (امید شماره ۶۴۳)
- ❖ آبدات تاریخی باید ترمیم شوند نه تجدید (امید شماره ۷۳۱)
- ❖ نگاه به تصوف و عرفان بیدل
- ❖ بیاد آفتاب سخن صاحب حال و قال دهقان
- ❖ مقدمه بر دیوان (مزرعه دهقان چاپ در جرمنی)

- ❖ استاد محمد صدیق روهی
- ❖ حضرت استاد غلام حسن مجددی
- ❖ چهار کتاب سالمندان
- ❖ نکات چند در کتاب دوبیتی های تاجیکی بدخشان و تخار
- ❖ پیرامون کتاب ضرب المثل های دری افغانستان در تاجیکستان
- ❖ نام بدخشی در کشور ما جاویدان است (سایت ها)
- ❖ چرخ فلک از شهزادگی تا یتیمی و از یتیمی تا ندیمی (چاپ در امید)
- ❖ دیوان جاویدان خزان، چاپ در دیوان آرین پور
- ❖ شاعر عاشق مشرب، چاپ در دیوان نظیر ظفر
- ❖ رابعه بلخی، چاپ در کتاب سالمندان
- ❖ استاد عبدالاحمد جاوید، چاپ در کتاب سالمندان
- ❖ شهنشاہ نامدار مشرق زمین، ظہیر الدین محمد بابر شاہ، چاپ در سایت ها؛
- ❖ اشعار خودجوش دل انگیز استاد داد محمد کریم کابلی؛
- ❖ تاریخ چنداول و باشندگان آن
- ❖ مقدمه بر دیوان ناجیه کریم، چاپ در دیوان ناجیه کریم؛
- ❖ پیرامون کتاب کوچہ ما (چاپ در سایت ها)؛
- ❖ مقدمه بر دیوان پور غنی، چاپ در دیوان پور غنی؛
- ❖ سه مقاله در کتاب «خشک و تر» استاد مشعل، کانادا؛
- ❖ اتحاد یگانه راه موفقیت است (سایت ها)؛
- ❖ رها در باد یا سرگذشت یک زن مبارز ؛
- ❖ ادبیات شفاهی مردم، انگلستان؛

❖ آمیزش موسیقی با روان آدمی، مجله راه نیستان، ترکیه؛

بیش از صد مقاله دیگر داکتر عنایت الله شهرانی در نشرات داخلی و خارجی چون مجله ادب، فولکلور، لمر، آریانا (نشریه انجمن تاریخ)، ژوندون، پشتون ژغ، عرفان، امید، کاروان، نامه ی خراسان، افغانستان، میزان، زرنگار، لمر (درکانادا)، نوید، کیوان، مردم افغانستان، آریانا برون مرزی، پیمان، بلخ، نور، فردا، امت، درد دل افغان، افغان ولس و غیره به چاپ رسیده است.

جناب دکتور عنایت الله شهرانی در حال حاضر در اندیانای ایالات متحده امریکا زندگی دارد. از پرتحرکترین و با انرژی ترین فرهنگیان و دانشمندان برونمرزی کشور میباشد. همکاری صمیمانه و دوستانه این دانشمند پر برکت با فصلنامه آریانای برونمرزی و کتاب "کی کیست در فرهنگ برونمرزی افغانستان" روشن و واضح میباشد که البته در جایش توضیح میگردد. ویراستار جایگاه این استاد گران سنگ و شایسته فرهنگی برونمرزی را در سکوی بلند فرهنگی و علمی تمنا داشته عمر شانرا دراز و وزنه کارهای علمی و فرهنگی برونمرزی شانرا سنگینتر میخواهد.





تهیه و ترتیب:

ذبیح الله نذیر شهرانی

www.enayatshehrani.com



تهیه و ترتیب:

ذبیح الله نذیر شہرانی